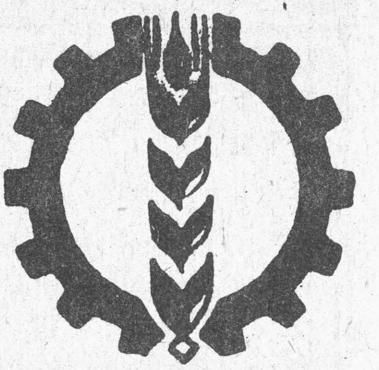


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شنبه ۸ دلو ۱۳۶۲
Jan. 26, 1984.
شماره ۲۳۱ سال چارم
شماره مسلسل ۷۳۴
سال تأسیس ۱۳۵۹

بهبود کار، اقدام، عمل، تصمیم، وارادهٔ شکست ناپذیر انقلابی وسازماندهی عالی شعار مرکزی

سیاست خارجی ما پشتیبانی از صلح است

وظیفه داریم در وجود اعضای حزب دسپلین آهنین را تقویت کنیم



رفیق ببرك كارمل هنگام ایراد بیانیه درجلسه كارمندان رهبری حزبی ودولتی.
عکاسی: ح.ا.ث

جلسه نوبتی بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا دایر گردید

شهر کهنه باز سازی میشود

• طرح پیشنهادی پلان تفصیلی ساحه مرکزی شهر کابل مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار گرفت.

• طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی و اداره بررسی گردیده وبطور کل تایید گردید.

جلسه نوبتی بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پنجم دلو ۱۳۶۲ تحت ریاست رفیق ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان دایر گردید.

در جلسه طرح پیشنهادی پلان تفصیلی ساحه مرکزی شهر کابل مورد مطالعه وبررسی همه جانبه قرار گرفت گزارش ها و توضیحات پیرامون این طرح به جلسه ارائه گردید. بیروی سیاسی بنا بر اهمیت اصولی و جدی مسأله فیصله بعمل آورد تاطرح متذکره به شرکت تمام ارگان های مربوط به طور دقیق و وسیع مورد ارزیابی و بررسی قرار گیردو بنحو بهتر و کاملتر آماده گردد. دراین رابطه رفیق ببرك كارمل هدایت دادند تا در امر تعیین و ساختمان ساحه مرکزی شهر کابل دقت جدی بعمل آید و خصوصیات تاریخی عنعنوی شهر کابل به مثابه مرکز افغانستان انقلابی وسبك معماری مردم ما در مطابقت با معیارهای مهندسی پیشرفته در

(ص۲)

بیانیه تاریخی رفیق ببرك كارمل

بعضی رفقا بعوض اینکه به سازماندهی امور مشخص بپردازند برای عدم فعالیت خود بهانه می جویند و دلائل می تراشند

روشنفکرانی که درافغانستان باقیمانده اندنسبت به حکومت وفادارندوصادقانه وازروی وجدان زحمت میکشندوباید بحیث وطنپرستان احترام شوند

فشردهٔ بیانیه شفاهی رفیق ببرك كارمل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان در جلسه کارمندان رهبری حزبی و دولتی مورخ ۸ قوس ۱۳۶۲

(ص۲)

حزب ومتخصصان غیرحزبی

(ص۲)

امریکا در تدارك جنگ مکروبی

(ص۷)

خشم مردم درچهرهٔ پوستر ها

(ص۸)

کی به صلح هجوم میبرد؟

رفیق یوری اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در مصاحبه باروزنامه پراودا اشاره مستقیم بهخطری کردکه ازطرف امپریالیزم، امریکا صلح جهانی راتهدید میکند. درواقع جنگ هستوی که امریکا خودرا برای آن آماده میکند نسل انسان را هدف گرفته است تنها مردم اروپا که اکنون در خط مقدم خطر جنگ اتمی قرار گرفته آنرا بسرعت درك کرده اند کهدولت های اروپایی هماهنگ با امپریالیزم امریکا چگونه خطر را به خانه آنها آورده‌اند.

هنوز تا فراگیر شدن آگاهی تمام بشریت از خطر که نسل انسان را تهدیدمیکند راه درازی درپیش است. هنوز هستند کو تاه فکرانی که تصور میکنند در صورت بروز جنگ هستوی فقط قدرتهای بزرگ‌در معرض خطرخواهند بود حال آنکه جنگ هستوی جبهه معین ندارد و عوارضی ناشی از ان دامنگیر مردم همه جهان خواهد شد.

روزی نیست که از گوشه و کنار جهان فریاد اعتراض آمیز میلیونها نفر علیه جنگ بگوش نرسد. تظاهرات انبوه مردم، گردهمائی‌های وسیع، صدور قطعنامه ها وبیانیه های ضد مسابقات تسلیحاتی لحظه ای متوقف نمی شود. هیچ گاهتا این حد خطر و قوع یك جنگ اتمی جهان را تهدید نکرده است. یك عمل دیوانه وار و یك خیال خام می تواند باعث قتل انسان ها ومحو تمام تمدن بشریت شده و سیاره ما را به بیابانی بدون آثار حیات مبدل سازد.

...درك و احساس این خطر است که میلیون ها نفرازمردم رادر گوشه و کنار جهان و حتی در خود امریکا بهجاده ها میکشاند تادر مبارزه مرگ وزندگی سهیم شوند.

سازمان های متنوعی در جهان با فرهنگ وایدئولوژی ودیدگاه های سیاسی اجتماعی مختلف و گاه متضاد به دعوت جنبش جهانی صلح پاسخ می‌دهند. هفته‌های صلح، خلع سلاح، همبستگی و اعتراض علیه نصب راکت های‌جدید امریکا در اروپا و باشرکت میلیون ها مردم در سراسر جهان برگزار می شود. آنها فریادبر می‌آورند: «ما راکت‌نمی خواهیم به پیش بسوی صلح»

تشدید بیسابقه تشنج مشخصه اوضاع بین المللی شده‌است. امپریالیزم‌جهانی بسر کردگی امپریالیزم جنایتکار امریکا ایجاد گرو تشدید کننده این تشنج است. «نقاط داغ» در جهان بوجود می آورد و به بهانه های واهی قوای نظامی و پایگاه‌ های خود را در سراسر گیتی گسترش می دهد. (نیروهای امریکائی مستقر در آلمان فدرال ۲٤۳۰۰۰ نفر، درجاپان ٤۸۷۰۰ نفر، در کوریای جنوبی ۳۸۷۰۰ نفرودرانگلستان ۲۷۱۰۰ نفر می باشد.)

در حالی که به مردم و دولت افغانستان انقلابی جنگ اعلام نشده ای تحمیل شده است و از سوی ایران وپاکستان و چین مورد تجاوز قرار می گیردامپریالیزم امریکا به بهانه مضحك تهدید افغانستان بهپاکستان، راکت های اتمی پرشنگ درخاك پاکستان مستقرمیکند.

امپریالیزم امریکا تمام در خواستها و پیشنهادات صلح خواهانه جوامع بین‌ المللی را نادیده میگیردوسعی به انحراف کشاندن‌وتضعیف سازمان ها و موسسا تی دارد که در راه صلح وآزادی و دموکراسی عمل میکنند.

علیرغم تصمیمات سازمان ملل‌متحد و بر خلاف قوانین خود امریکا، در حال تشکیل فرماندهی نیروی جدید فضایی است که مستقل ازنیروهای هوایی دریایی و زمینی آن باید نقش خودرا درتشنج فزائی وبرتری‌طلبی نظامی ایفا کند. (چند روز پیش‌اولین راکت ضد قمر مصنوعی امریکا آزمایش شد.) از سوی دیگر نیرو های صلح دوست و ازادی‌خواه جهان و همه کشور های‌مترقی وسوسیالیستی و در راس همه اتحاد شوروی تمام تلاش خودرا به منظور ثبات و صلح درجهان بکار میگیرند.

اتحاد شوروی تعهد کرد در استفاده از سلاح اتمی پیش‌دستی نکند. امریکا از قبول چنین تعهدی امتناع ورزید.

اتحاد شوروی به طور یك‌ طرفه، علاوه بر کاهش‌تعداد افراد نیرو های مسلح‌معمولی ازذخایر راکت های‌هسته‌ای خودنیز کاست ... امریکا به این اقدام با تولید انواع جدید ومخرب تر اسلحه و عملیات جنگجویانه پاسخ داد.

(ص۲)

پیام های تبریکیه

به مناسبت سی ومین سالگردامضای نخستین موافقتنامه افغان وشوروی راجع به‌همکاری‌های اقتصادی و تخنیکی

به مناسبت سی‌ومین سالگرد امضای‌نخستین‌موافقتنامه افغان و شوروی‌راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکی پیام تبریکیه آتی عنوانی رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك‌افغانستان از طرف شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ٦ دلو به کابل مخابره شده‌است.

رفیق سلطانعلی کشتمند!
رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان.

به مناسبت سی‌ومین سالگرد امضای‌نخستین‌موافقتنامه راجع به همکاریهای اقتصادی و تخنیکی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌و افغانستان مراتب تبریکات صمیمانه و بهترین‌تمنیات را به شما و به تمام مردم افغانستان تقدیم می‌داریم.

این موافقتنامه که به روز۲۷ جنوری سال ۱۹٥٤ منعقد گردید در تاریخ مناسبات کشور های ما که و. ای. لینن منبع الهام‌بخش‌آن‌بود مرحله مهمی تلقی میشد. موافقتنامه متذکره بنیاد پایداری را برای همکاریهای ثمربخش اقتصادی و تخنیکی شوروی و افغان متکی براصول تساوی واقعی، منافع متقابل و حسن همجواری گذاشت.

در نتیجهٔ همکاریهای‌اقتصادی و تخنیکی میان

(ص۲)

به مناسبت سی ومین سالگرد امضای نخستین موافقتنامه افغان و شوروی‌راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکی پیام تبریکیه آتی‌ازطرف شورای وزیران جمهوری دموکراتیك‌افغانستان عنوانی رفیق نیکولای الکساندرویچ تیخونوف رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌به تاریخ ٦ دلو به مسکو مخابره شده است.

رفیق نیکولای الکساندرویچ تیخونوف!
رئیس‌شورای‌وزیران‌اتحاد جماهیرشوروی‌سوسیالیستی

به مناسبت سی و مین‌سالگرد امضای نخستین‌موافقتنامه افغان و شوروی‌راجع به همکاریهای‌اقتصادی و تخنیکی صمیمانه ترین‌تبریکات و بهترین تمنیات را به حکومت اتحاد شوروی‌و تمام مردم شوروی تقدیم میداریم.

علایق اقتصادی افغان‌شوروی که بنیاد آن در دوران زندگی لینن کبیر گذاشته‌شد نمونه درخشان مناسبات متساوی الحقوق، حسن‌همجواری و متقابلا مفید میان کشور ها میباشد.

موسسات و پروژه هاییکه با همکاری و مساعدت اتحاد شوروی در عرصه‌های‌صنایع، ترانسپورت انرژی برق، زراعت و آبیاری د رافغانستان ایجاد شده است اساس سکتور دولتی کشور رو پایه محکم و استوار را برای رشد بعدی آن در راه‌ترقی اجتماعی تشکیل میدهند کمك ها و همکاریهای اقتصادی اتحاد شوروی برای‌تحکیم

(ص۲)

(بقیه ص اول)

جلسهٔ نوبتی بیروی سیاسی ...

نظر گرفته شود. رفیق ببرک کارمل اظهار داشتند که باید در پلان تفصیلی ساحه مرکزی شهر کابل برپایه ماستر پلان شهر عمارات ادارات و موسسات دولتی و ساز مانهای اجتماعی دریک کامپلکس واحد متکی بر معیارهای قبولشده شهرسازی ایجاد شود.

در این طرح باید شهر کهنه جای خود را به عمارات بلند منزل مسکونی زیبا وراحت توأم با حل تمام معضلات تخنیکی و تسهیلات رهایشی و به مراکز خدمات اجتماعی و فرهنگی و تجارتی بدهد.

رفیق ببرک کارمل گفتند که از هم اکنون تدابیر عملی برای بهبود وضع شهر کابل تنظیف و زیبایی آن بشمول توسعه جاده های مهم و ایجاد جاده های موتررو جدید و پیاده روهای مساعد روی زمینی وزیر زمینی و تأمین آب کافی برای دریای کابل اتخاذ گردد. مسأله آبرسانی در شهر هرچه زودتر حل شود و اهالی شهر از لحاظ دسترسی به تسهیلات لازم و خدمات شهری تامین شوند.

رفیق ببرک کارمل گفتند که با پیروزی انقلاب ثور امکانات عملی برای عمران و آبادانی شهر کابل به منظور تامین شرایط بهتر زیست و انجام خدمات فرهنگی و عام المنفعه برای اهالی فراهم گردیده است. ایجاد مرکز شهر، محلیکه تاسیسات و عمارات عمده حزبی و دولتی، موسسات فرهنگی و خدماتی شهری را دربر می گیرد از اهمیت خاصی برخوردار است.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا طرح قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی و اداره را در جلسه خود مورد برسی قرار داد وآنرا بطور کل تایید نمود. در طرح قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی و اداره طرز و ترتیب ایجاد ارگانهای محلی قدرت دولتی پیشبینی گردیده است.

رفیق ببرک کارمل ضمن ارزیابی همه جانبه قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی واداره اظهار داشتند: تصویب این قانون که بزودی در اجلاس فوق العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت خواهد گرفت حادثه مهم سیاسی در زندگی مردم و جامعه ما بوده و گام بااهمیتی در راه توسعه وتکامل دموکراسی در کشور می باشد. به موجب این قانون اشتراک وسیع توده های مردم در ایجاد ارگانهای محلی میسر خواهد شد.

رفیق ببرک کارمل افزودند که در گذشته حکومات سابق فقط به مردم حق اشتراک در ایجاد ارگانهای حاکمیت را وعده میدادند ویا اینکه بطور ظاهری این حق را اعلام میداشتند، ولی با تصویب قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی واداره امکانات واقعی برای تحقق عملی حق مردم جهت شرکت در اداره دولتی بوجود میاید و این به معنی دموکراسی واقعی بدون کدام تبعیض وتمایز ملی اجتماعی و غیره است.

رفیق ببرک کارمل ضمن ارزیابی اهمیت قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی و اداره گفتند: این قانون ساختار، طرز فعالیت، تعیین صلاحیت ها، حقوق و وجایب ارگانهای محلی دولت را معین میسازد که این امر موجب تحکیم موضع وسازماندهی بهتر فعالیت آنها میگردد.

رفیق ببرک کارمل گفتند: که پس از تصویب قانون ارگانهای محلی قدرت دولتی و اداره کار عظیم تدارکاتی و سازماندهی برای انتخابات دموکراتیک و عنعنوی جهت ایجاد ارگانهای محلی دولت انجام خواهد گرفت و با تصویب این قانون و انجام انتخابات متذکره در عرصه داخلی و بین المللی به اثبات خواهد رسید که برای اجرای آنچه حزب وانقلاب جهت تحقق تحولات مترقی وعده داده اند مصمم هستند.

در جلسه بیروی سیاسی همچنان تصامیم دیگری در باره مسایل حزبی اتخاذ گردید و یک سلسله مسایل با اهمیت دیگر داخلی و بین المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. (ب)

این شور وحال از زندگی عادی و صمیمی مردم ماحکایت دارد. دشمن ژاژ خائی میکند و کاروان زندگی انقلابی مابه جلو میتازد. ((عکاسی ح.ا.ث))

(بقیه صفحه اول)

کی به صلح هجوم...

اتحاد شوروی ازمصارف نظامی خود کاسته است. امریکا درنظر دارد ...طی پنج سال ۱۶۰۰ میلیارد دالر به مصرف رساند. امپریالیزم امریکا هنوز به این امید دلخوش است که از راه برتری هسته ای بدان چیزی دست یابد که به کمک سلاح های عادی و حمله تبلیغاتی ضد کمونیستی موفق به تحقق آن نگردید. یعنی اینکه کار اتحاد شوروی و با آن کار سیستم جهانی سوسیالیستی را یکسره کند. این سیاست خطرناک که بر تلاش برای بدست آوردن برتری نظامی وجنگ هسته ای «محدود» پایه گذاری شده، محکوم به شکست است. ولی این سیاست در عین حال خطر نابودی همگانی را نیز همراه دارد.

حال با دیدن شبح قارچ اتمی و خطر جنگ هسته ای که همه چیز را نابود میکند، آیا در مقابل جهان وبشریت وظیفه ای مهمتر و مبرم تراز دفاع از حق زندگی برای انسانها وجود دارد؟

چه چیزی می توانند این حق را تضمین کند؟ آیا دامن زدن به جنگ و تشنج ونادیده گرفتن مسابقات تسلیحاتی وبی قید بودن نسبت به مبارزات صلح، همخوانی و همسوئی با امپریالیست های جنگ افروز نیست؟

با درک این واقعیت است که هجوم صلح هر روز گسترده تر و قویتر می شود.

از دهقانان ومزارع آن ها باید دفاع کرد مدافعین انقلاب برای انجام چنین امری همیشه آماده اند. بناء بی جا نیست که دهقانان این مدافعین رابه مثابه فرزندان خود تلقی میکنند. ((عکاسی ح.ا.ث))

(بقیه ص اول)

پیام های تبریکیه

استقلال افغانستان ارتقای سطح زندگی زحمتکشان ما و حل موفقانه مسئله مربوط به پرورش کادر های ملی حایز اهمیت بزرگ میباشند.

بعد از پیروزی انقلاب ثور درسال ۱۹۷۸ مناسبات بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی به سطح جدید کیفی ارتقا یافته و به روابط دوستی برادرانه واقعی، همکاریهای ثمر بخش همه جانبه و همبستگی انقلابی مبدل گردیده است. امکانات جدید برای رشد وسیعتر همکاریها در ساحه اقتصاد تیز فراهم شده است در حال حاضر همکاریهای اقتصادی اتحاد شوروی عامل بسیار مهم در امر رشد اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ایجاد شرایط به منظور تحقق تحولات مترقی دموکراتیک به نفع اقشار وسیع مردم ما محسوب می گردد.

خلق افغانستان این کمک های برادرانه و بی شائبه مردم کبیر شوروی را با سپاسگزاری همیشه به خاطر خواهند داشت.

با اطمینان راسخ ابراز می نماییم که مناسبات دوستی خدشه ناپذیر برادری و همکاریهای همه جانبه میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی در آینده نیز به نفع خلق های کشورهای ما و صلح و امنیت در سراسر جهان استحکام و توسعه خواهد یافت.

شورای وزیران
جمهوری دموکراتیک
افغانستان.

ختم سیمینار میتودیکی

سیمینار میتودیکی که به مقصد تنظیم و بهبود هرچه بیشتر امور سیاسی در قرارگاه قومندانی دافع هوا سه روز قبل دایر شده بود بتاریخ ۶ جدی خاتمه یافت.

طی جلسات این سیمینار رفیق برید جنرال یاسین صادقی منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس عمومی امور سیاسی اردو و همچنان آمر سیاسی قومندانی عمومی هوایی و مدافعه هوایی پیرامون بهبود کار و فعالیت سازماندهی و ارتقای احضارات محاربوی و تعلیم و تربیه محاربوی صحبت نموده و نیز قوماندان قوای دافع هوا گزارش مفصلی در مورد کار و فعالیت نه ماهه کار و فعالیت جزوتامهای دافع هوا ارائه نمود.

همچنان در جلسات این سیمینار در ارتباط موضوع و گزارش اساسی سیمینار از طرف معاونین سیاسی قطعات و بطریه های دافع هوا ابراز نظر گردید.

آنها بالنوبه به قوماندانی قوای دافع هوا و از طریق آن به ارگانهای ذیصلاح حزبی و دولتی ورهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راس رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان هرنوع ایثار و فداکاری را درراه حراست از وطن عزیز ودفاع از دستآوردهای انقلاب ثور ابراز کردند. (ب)

حزب و متخصصان غیر حزبی

سخنانی در باره برخورد نادرست با متخصصان غیر حزبی شنیده می شود در برخی ازسازمانهای حزبی هم به نحوی از چگونگی برخورد افراد و ارگانهای مسوول در برابر کارشناسان غیر حزبی ابراز نارضایتی می شود.

دانشمندی شکایت میکند که سازمان اولیه حزبی در کار اکادمیک مداخله می نماید، معلمی انتقاد می نماید که شاگردان ((سازمانی)) از اطاعت و دسپلین درسی طفره می روند، داکتری شاکی است که فلان کارمند اداری بنابر ((حزبی بودن)) از فعالیت طبی وی ((کنترول علمی)) مینماید، آمر غیر حزبی موسسه یی از ((تحکم)) زیر دستان حزبی رنج میبرد...

گویا در اداره جلسه کار دایر میشود و مسوول حزبی بدون انتقاد مشخصی کارشناسان را آلت دست دشمن و نابکارهای مخرب معرفی مینماید، در واحدی به متخصصان و یا کارمندان دستور داده شده که به کارتان نیاز نداریم راهتان را بگیرید وبه آغوش دشمن بروید و...

تاچه اندازه یی این گفته ها درست است، تاچه جدودی درست نیست، چقدر مبالغه آمیز است و یا خصمانه و پاچقدراز روحیات روشنفکرانه برخاسته؟ اینها هم والهایی اند که باید تحقیق کرد.

اما در هر صورت مسایلی در زمینه برخورد با متخصصان غیر حزبی، استادان، دانشمندان، انجنیران، داکتران طب و کارمندان دستگاه دولت وجود دارد که در خور تأمل است.

یکی از نقاط مورد عطف توجه روشنفکران و متخصصین اند. بخصوص آنعده از روشنفکرانیکه در دام تمایلات ضد انقلابی نیفتاده اند، ولی هنوز برغم اجرای کار مثبت مناسبات روشن با انقلاب ندارند و در گیر گرایشات و نوسانات فکری بوده و یا گاهی به اثر القا ایدیولوژیک ضد انقلاب ویا نارسایی هاو کمبود ها در روند انقلاب ((راه و چاه)) را در نمی یابند.

برخورد انقلاب در رابطه با روشنفکران ملی و وطن پرست، آنانیکه با ضد انقلاب نیستند، آنانیکه به مادر وطن خیانت نکرده ودر جبهه کار عملا در سنگر انقلاب ایستاده اند روشن، صریح و مشخص است.

رفیق ببرک کارمل گفته اند:

((باید ضرورت برخورد درست با متخصصان غیر حزبی ـ کارمندان دستگاه دولت، انجنیران و تخنیکران معلمان و استادان موسسات تعلیمی، کارمندان طبی و غیره را خاطر نشان ساخت. اکثراً آنان دستیاران وپهلوان نیرومند شما (اعضای حزب) اند، از شما کادر ها و فعالیت های تان پشتیبانی می کنند. این افراد دانش، استعداد و قدرت خود را در خدمت حزب و دولت قرار داده اند. ما می دانیم که روشنفکرانی وجود داشتند که به وطن خیانت کردند وبه غرب فرار نموده اند. اما آنانی را که در افغانستان باقی مانده اند، نسبت به حکومت وفادار اند وصادقانه از روی وجدان زحمت می کشند باید بحیث وطن پرستان احترام کرد.))

سیاست حزب در این گفته ها باخطوط ساده و روشن تجلی یافته است.

در همه سازمانها: در فعالیت همه افراد و ارگانهای مسوول و در عمل که بخصوص جنبه روزانه دارد و به طریق نمونه های زنده عملی باز تاب میابد، برخورد مطابق خواست حزب نیست.

اگر افولاهات درونی و خصمانه پیرامون به اصطلاح ((تحقیر)) و ((توهین)) و ((سبکسری)) درباره متخصصان را که در بسا موارد از سر چشمه میکانیزم تبلیغات دشمنانه ضد انقلابی آب میخورد، کنار بگذاریم، در واقع چیز هایی وجود دارد: انقلابی جوانیکه می خواهد در آن واحد همه چیز را با خط درشت انقلاب بنویسد، زمین را زیر و رو کند، خشت از خشت گذشته باقی نگذارد، نمی تواند تا پایان ضرورت برخورد سنجیده و واقعبینانه بانسج اجتماعی را آنطوریکه باید درک نماید.

ساختمان جامعه نوین صبر وبا دستان انقلابیون ممکن نیست. درین راه باید همه نیرو، شرف و وجدان جامعه را بسیج کرد و تازه اینکار را باید در شرایطی انجام داد که ((بوده ها)) کمتر از ((کمبود)) هاست.

انقلاب حق نمیدهد که ما همه مسایل را از طریق معادلات ساده، از طریق فورمول ((دست های سیاه، دست های سفید)) چه در حزب و چه در جامعه یعنی به شیوه درک غیر تاریخی ـ منطقی درک و حل نماییم.

کار با مردم یعنی کار با اقشار مختلفه مردم بر مبنای فهم موقعیت و موضع آنان در جامعه. اعضای حزب، سازمانها و نهاد های مسوول باید معیار اصولی برخورد را در برابر گروه های اجتماعی، اساس قراردهند، نه تمایلات و گرایشهای غیر اصولی را.

اگر جلسه یی دایر کنیم و به ده ها تن از کارمندان غیر حزبی و فادار به انقلاب فرمان سکوت دهیم. آنان را «مجبور» به پذیرش نماییم و یا بر چسپ خیانت زنیم، این شیوه بیگانه از سرشت انقلاب است. اگر تاثیر حزبی در معنای امر و نهی افراد در فعالیت ارگانها وارد شود شیوهٔ بجا نیست اگر باز ور گویی افراد را به وفاداری جلب کتیم موثر نیست، اگر طریق جلب باور افراد را نیاموزیم، کسی را به کار فداکارانه کشانده نمیتوانیم. اگر کارمندان غیر حزبی را به سان صفوف حزبی تابع موازین معینی احساس نماییم که با روح زندگی حزبی عجین است، اشتباه کرده ایم...

سازمانها و ارگانهای مسوول وظیفه دارند واقعیت ها را طوریکه هست بینند، نه آنطوریکه میخواهند، در مورد متخصصان نیز چنین است.

ما باید به متخصصان یاری رسانیم تا آنانیکه مارا کاملا درک ننموده اند، ما را درک نمایند، تا نیروی خلاقه خود را باوفاداری بی خدشه به امر انقلاب بیا میزنند، تا در جو اوهام تبلیغاتی دشمن قرار نگیرند، تا مناسبات روشن با انقلاب ایجاد نمایند.

این همه وظایف را در شرایطی باید انجام داد که ذره یی به دسپلین کار اثر منفی وارد نیاید و غیر حزبی ها، حزبی ها را با قلب و وجدان درک نمایند. این امر با گذشت، با ایثار، با پا گذاشتن روی خود خواهی های جنون آمیز، باوداع به ((بیروکرات منشی)) و ((آقا یی)) که درنظام ماجایی برای آن وجود ندارد میسر شده میتواند.

معیار کار چه است؟

این نکته را میتوان در هراداره توضیح کرد. بر همین مبنا به شور جمعی پر داخت، نظریات همه را شنید و بخصوص این نظریات را همیشه ((بیگانه))، ((خصمانه)) و ((غیر علمی)) تلقی نکرد. گفته می شود که در بعضی ساحات اکثرا شور و بحث ها و نظریات غیر حزبی ها طور لازم ارزشیابی نمی گردد و در بایگانی ((بیگانگی)) می افتد. این شیوه از ریشه نادرست است.

توجه و نظر به خواست افراد زاینده اعتماد مردم است و اعتماد سد آهنین انقلاب است که اگر بتوان به اعمار آن دست زد، هر توفان فعالیت خصمانه ضد انقلابی بی اثر می ماند.

رهبر کارگران جهان می گفت:

((... وقتی طبیبی می بیند که پرولتاریا برای مبارزه علیه بیماریهای همه گیر، زحمتکشان را برای فعالیت مبتکرانه بپا میدارد. آنگاه بکلی روش دیگری را نسبت به مادرپیشی میگیرد.)) برای جلب متخصصان ((باید چیزی ها یی را هم فداکرد... ترس از این فداکاری، کودکی است، زیرا دال بر عدم درک وظایفی است که دربرابر ما قرار دارد.))

((ظ. یما))

بقیه ص اول

•••

اتحاد شوروی و افغانستان یک سلسله موسسات صنعتی و پروژه های بزرگ دیگردر رشته های اساسی اقتصاد مانند انرژی برق، صنایع گاز، ترانسپورت، آبیاری و زراعت، ساختمان، منازل مسکونی در افغانستان ایجاد و تعداد زیاد کارگران ماهر و کادر های انجنیری و فنی افغانی تربیت شده است.

اتحاد شوروی با اتکا بر معاهده دوستی، حسن همجواری و همکاری بین اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری دموکراتیک افغانستان منعقده ۵ دسامبر سال ۱۹۷۸ از مساعی مردم افغانستان به خاطر تحقق تحولات اجتماعی و اقتصادی تحکیم و رشد اقتصاد ملی در اینده نیز به طور پیوسته پشتیبانی خواهد نمود.

اظهار اطمینان مینماییم که از این به بعد هم دوستی و همکاریهای همه جانبه میان اتحاد شوروی و افغانستان به نفع مردمان کشور های ما موفقانه انکشاف مزید خواهد یافت.

شورای وزیران
اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی
مسکو، کریملین

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

رفقا!

در نتیجه پیروزی انقلاب ملی ـ دموکراتیک ثور در افغانستان که تحت رهبری **حزب دموکراتیک خلق افغانستان**، بنابر اراده مردم افغانستان و به اشتراک اردو صورت گرفت، برای نخستین **بار در** تاریخ کشور ما حاکمیت زحمتکشان استقرار یافت. **از زمان پیروزی انقلاب ثور** پنج سال و هفت ماه و از مرحله دوم آن تقریبا چهار سال سپری شده است.

طی این مدت، علی الرغم دشواری ها، تجاوزات **مسلحانه ومداخلات ارتجاعی ـ امپریالیستی، توطئه های دشمنان انقلاب و مقاومت** طبقات استثمارگر سابق، ما به موفقیت هایی نایل **آمده ایم.**

من قبلا گفته ام و بار دیگر خاطرنشان می سازم، که در دو دهه اخیر در کشور ما تعداد زیاد سازمان ها و گروه هایی وجود داشتند که شعار قیام مسلحانه و حتی جنگ پارتیزانی را مطرح می کردند. اما، فقط حزب ما بر پایه ارزیابی دقیق شرایط مشخص تکامل تاریخی جامعه **و تعیین استراتیژی وتاکتیک** مبارزه انقلابی موفق گردید علی الرغم استبداد خشن سلطنتی، دسایس و توطئه های سی. آی. ای ایالات متحده امریکا و دشواری های درونی با استفاده از اشکال مختلف مبارزه سرانجام به قیام مسلحانه دست یازیده وسیادت سیاسی و طبقاتی استثمارگران را سرنگون **وحاکمیت زحمتکشان را استقرار بخشد. چنانکه بار** ها خاطرنشان ساخته ام انجام **این رسالت خدمت عظیم تاریخی حزب دموکراتیک** خلق افغانستان است.

مسلماً اگر اشتباهاتی که حزب و دولت مرتکب گردید، رخ نمیداد دستاوردهای ما از **اینهم بزرگتر می بود.** هنگامی که من در یکی از جلسات در بارهٔ اشتباهات حرف می زدم در چهرهٔ بعضی از رفقا علایم و آثاری به مشاهده می رسید. اما باید خاطرنشان کرد که رشد پیروزمندانه پروسه انقلابی در کشور وبه **صورت کل حرکت ما به پیش** بدون ارزیابی و تحلیل دقیق و انتقادی جوانب مثبت فعالیت ها و هم نقایص، اشتباهات وانحرافات ممکن نیست. باآنکه، آنچه **در مرحله اول انقلاب رخداده دیگر جزء تاریخ است، ما موظف هستیم از گذشته نتیجه گیری کنیم، ازاشتباهات خود درس عبرت بگیریم** تا در آینده تکرار نگردد و فعالیت خویش را در مرحلهٔ نوین انقلاب ارزیابی انتقادی نماییم.

لنین بزرگ، رهبر پرولتاریای جهان تاکید ورزیده است که تمام نهضت ها و جنبش های انقلابی، همه احزاب مترقی وانقلابی، بخصوص احزاب حاکم طبقه کارگر باید محتوی هر مرحلهٔ انقلاب را با اتکاء بر تحلیل عمیق شرایط واوضاع و احوال مشخص تاریخی تشخیص دهند. لنین می آموخت که «(باید مشی عمومی، میتودها، اشکال و اسلوب کار حزب مطابق به هر مرحلهٔ معین تکامل تدوین و تنظیم گردد. تنها در آن صورت است که امر انقلاب و حزب به پیروزی قطعی می انجامد.))

عدم درک ماهیت و محتوی این یا آن مرحلهٔ تکامل انقلاب برای حزب حاکم ودولتی که نماینده گی از زحمتکشان می نماید اشتباهی عظیم است وحتی زیان جبران ناپذیر را به انقلاب وارد می کند. ما همیشه باید این (توصیه) را به یاد داشته باشیم.

اکنون با سپری شدن چهارسال از مرحله نوین **انقلاب ثور، که واقعا میتوان گفت انقلاب** شکوهمند وکبیر ثور، ما اسناد مهم و معتبری مانند «برنامه عمل»، «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان»، تصامیم وفیصله های کنفرانس سرتاسری حزب واسناد و مصوبات دوازده پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ده ها سند حزبی و دولتی دیگررادر اختیار داریم. این تصامیم قسماً تطبیق شده اند. اکنون وظیفه مبرم و عاجل ما اینست که تمام تصامیمی راکه در این اسناد انعکاس یافته اند، کاملا تطبیق نماییم تا همه آنچه را **که در صفحات کاغذ درج** است، در عمل وپراتیک پیاده کنیم.

ماوارد فاز نوین فعالیت خود می گردیم و باید به پلکان **جدید وعالی تر تکامل** انقلابی بالا رویم. بدستور بیوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اینجاب در جلسه امروزی اعضای کمیته مرکزی، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، روسای سازمان های اجتماعی کشور، سایر کارمندان رهبری حزب و دولت، منجمله اردو، خارندوی و خاد باید واضح سازم که مضمون فاز نوین چیست و مطالباتی که این فاز مطرح میکند کدام است؟

قبل از اینکه به توضیح این مساله بپردازم، میخواهم در بارهٔ بعضی از مسایل **عمومی صحبت کنم.**

یک نگاه کوتاه به اوضاع کنونی جهان:

عمده ترین و اساسی ترین جهت در وضع بین ـ المللی کنونی کدام است؟ البته، مبارزه به خاطر حفظ صلح پایدار جهانی و قطع مسابقات تسلیحاتی و به خصوص تسلیحات هستوی. کشور های سرمایه داری غرب و نمایندگان کمپلکس جنگی ـ صنعتی امپریالیستی وبهٔ خصوص در سال های **اخیر ادارهٔ ریگن تلاش می ورزند** بابرهم زدن موازنه تقریبی نیرو ها به تفوق وبرتری نظامی بر اتحاد شوروی دست یابند و ازین طریق با تهدید سلاح هستوی تسلط بلا منازع وکامل ایالات متحده امریکا را بر جهان تامین کنند.

سیاست ماجراجویانه امپریالیزم امریکا، عملا در همه جا هم در اروپای غربی، جاییکه امریکا علی الرغم اراده مردمان آن، **به تمرکز راکت های جدید هستوی** خود آغاز نموده است، هم در شرق میانه و نزدیک، در لبنان، در امریکای لاتین، جاییکه ایالات متحده امریکا کشور کوچک گرینادا را اشغال نمود وبرای تجاوز علیه نیکاراگوای انقلابی آماده گی می گیرد، در همه جا، کاملا مشهود و واضح دیده میشود. این سیاست ماجراجویانه مستقیماً علیه افغانستان نیز متوجه است.

شما، همه با اعلامیه قاطع و مصمم رفیق یوری ولادیمیر ـ ویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در رابطه با آغاز تحقق پلان های جابجا ساختن راکت های جدید هستوی امریکا در اروپای غربی، آشنا شده اید. شما از اعلامیه های افغانستان در موردنیزاطلاع دارید. حزب ما، دولت ومردم افغانستان در اوضاع واحوال کنونی که جهان، بشریت و تمدن آن با تهدید جدی جنگ هستوی مواجه است، در پهلوی اتحاد شوروی ودیگر نیرو های صلح در جهان قراردارد. پشتیبانی از صلح عمده ترین واساسی ترین وظیفه ماست وتمام سیاست خارجی ما متوجه اجرای این وظیفه است. موقف ما در بارهٔ دیگر مسایل بین المللی نیز به همگان روشن است. این موقف در «برنامه عمل» وسایر اسناد حزب واعلامیه های حکومت انعکاس یافته است.

سوال بمیان می آید: آیا ما می توانیم مستقیماً بطور بلا واسطه صلح را در سرتاسر جهان تامین نماییم؟ نه. درعمل وپراتیک ممکن نیست. آیا این بدان معنی است که ما هیچ راه تاثیر برای تخفیف تشنج اوضاع بین المللی نداریم؟ چنین فکر کردن نادرست است وچنین راه ها و طرق وجود دارد. وعمده ترین آن ودر قدم اول عبارت است از استقرار صلح وامنیت در عمل و نه در حرف در کشور خود ما، تقویت مبارزه با ضد انقلاب که آشکارا از جانب نیرو های ارتجاعی و در قدم اول نظامی گران پاکستان و مرتجعین دست راستی ایران پشتیبانی واز جانب امپریالیزم امریکا تمویل و **تجهیز می گردند.** امحای سریع و کامل ضد انقلاب نه تنها وظیفه داخلی ماست بلکه سهم عظیم جمهوری دموکراتیک افغانستان در امر تحکیم صلح وثبات در منطقه، آسیا وحتی جهان خواهد بود. بر اساس احساس مسوولیت در برابر بشریت، بر اساس احساس مسوولیت ملی و تاریخی، بر اساس احساس انترناسیونالیستی وبمثابه وطن پرستان ما نه تنها باید این وظیفه عظیم را به درستی درک نماییم بلکه بخاطر آن باید تمام خرده کاری ها و خرده گیری ها را کنار گذاشته همه دست به دست هم داده شهر به شهر، **ده به ده، قریه به قریه، قشلاق** به قشلاق در میان مردم رویم. ضرور است تا همه نیروهای خودرا بسیج نموده و برای انجام موفقانه این وظیفه بطور خستگی ناپذیر کار نماییم.

شما از توطئه ها و دسایس امپریالیزم و تبلیغات دروغین وتحریکاتی که در رابطه با **«مسایل اطراف افغانستان»** براه انداخته شده است آگاهی کامل دارید. معهذا سیاست خارجی ما علی الرغم تمام مشکلات، استوار وبا اطمینان به پیش می رود. فعالیت دیپلوماتیک ما، نماینده گان جمهوری دموکراتیک افغانستان در محافل بین المللی، در بود،

کنفرانس سران کشور های غیر منسلک، **در اسامبله عمومی سازمان ملل متحد** در دیالوگ غیر مستقیم در ژینو به موفقیت های معین نایل آمده اند. موقف افغانستان روشن و از پشتیبانی قابل ملاحظه بین المللی بر خوردار است. موقف ما در دو اعلامیه پر انعطاف و ابتکاری حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که نشر شده بیان گردیده است. پیشنهادات مشخص ما متوجه آنست که مداخله در امور داخلی افغانستان مستقل و آزاد از بیخ وبن قطع گردد. ما بهصراحت اعلام داشته ایم که بایدتضمین قوی ونیرومند بین المللی برای قطع و عدم تجدید تجاوز مسلحانه ومداخلات ارتجاع وامپریالیزم از خاک های پاکستان وایران داده شود.

ما همچنان با صراحت اعلام داشته ایم که در واز ه های افغانستان بروی تمام هموطنان ما که در نتیجه تحریکات ضدانقلاب، ارتجاع، **امپریالیزم ونیروهای استثمار** گر وستمگر سابق و هر عامل دیگر ترک وطن نموده اند، باز است. حزب ودولت کمک لازم را به آنان مبذول خواهند داشت.

اما صریحاً باید گفت که این بر خورد ماشامل رهبران ضد انقلاب و آن دشمنان مردم افغانستان که مستقیماً اجیران تیپیک سی.آی. ای ایالات متحده امریکا اند، **نمی گردد.**

ما هرگز این خاینین بوطن را به حیث اتباع افغانستان نمی شناسیم. آنها که به خارج از کشور پناه برده و **برای خود پناهگاه جسته اند، مانندمار** خطرناکی اند که در زیر سنگ کمین گرفته باشد. آنها هستند که از طریق زور، ظلم، تهدید، تطمیع وفریب، باند های آدمکشان را تشکیل داده و مخفیانه **به جمهوری دموکراتیک افغانستان اعزام میدارند.** آنها اهداف و اعمال شوم خویش را تحت شعار دروغین مبارزه به خاطر اسلام و آزادی **پرده پوشی می کنند.** اما درینجا، در جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ تهدیدی متوجه اسلام و آزادی نیست. **هدف واقعی این خاینین کاملا چیزدیگریست.** آنها میخواهند قدرت را به دست گیرند تا افغانستان را به قرون وسطی باز گردانند. خلق مارا محکوم به تاریکی، بیسوادی و محرومیت از حقوق خویش سازند و زحمتکشان ما را اسیر یوغ استعمار جدید نمایند. فقط به خاطر همین اهداف شوم است که آنها خون هموطنان مارا می ریزند و در سر زمین باستانی و صلح خواه افغانستان تخم دشمنی، مرگ و ماتم را می پاشند. ما به این خاینان، مرتدان و وطن **فروشان نفرین می فرستیم** وقاطع و صریح اعلام میداریم که حاضر به کوچکترین **مصالحه با آنها نخواهیم** بود،

در باره تلاشهای تحریک آمیز و خصمانه برای بر هم زدن دوستی صادقانه، تاریخی، برادرانه و سنتی افغانستان واتحاد شوروی و ادعا برای خروج قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی که دامن زده میشود باید گفت که ما این کوشش ها را بحیث مداخله صریح وبی شرمانه در امور داخلی خویش دانسته واجازه نمی دهیم حق حاکمیت ما محدود گردد. این مساله مربوط به امور داخلی ماست و بر اساس ارادهٔ مردم ما، حزب و حکومت ما و طرف اتحاد شوروی حل میگردد. قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی بر اساس معاهده دوستی، همسایگی نیک و همکاری که پنجمین سالگرد عقد آن درین روز ها هم در افغانستان و هم در اتحاد شوروی با شکوه و جلال تجلیل میگردد، به جمهوری دموکراتیک افغانستان دعوت شده اند. هنگامی که علل و عواملی که موجب دعوت قطعات محدود اتحاد شوروی گردیده است، از بین برود، آنها بوطن صلح دوست خود باز خواهند گشت.

اینست موقف اساسی ما در سیاست خارجی در رابطه با اوضاع اطراف افغانستان.

حالا به مسایل داخلی می پردازیم:

وظایف حزب و دولت در عرصه سیاست داخلی به طور کامل وروشن در «برنامه عمل» بیان شده است. برای رسیدن سریع و موفقانه به اهداف مطروحه لازم است تا در قدم اول امنیت و صلح سرتاسری در کشور تامین گردد.

برای نیل به این امر حلقه عمده عبارت از تحکیم هر چه بیشتر نیرو های مسلح ـ اردو، خارندوی وخاد است. حزب، حکومت، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدر وطن به کمک و پشتیبانی تمام مردم همه ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان وظیفه دارند بدون هراس ازمشکلات تمام اقدامات ضروری رابرای تقویت بیشتر نیرو های مسلح انجام دهند. ما باید استوار و مطمئن به پای خود استاده شویم و خود ما از کشور خود، خاک خود، انقلاب خود، مردم خود، حاکمیت ملی خود، استقلال ملی و تمامیت ارضی وطن خود دفاع نماییم.

ما باید روح وطنپرستانه همه ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان را از نو بیدار سازیم. ما باید مدافعان قوی انقلاب، سپاهیان نیرومند انقلاب، گروه های پر قدرت ملیشای خارندوی، قطعات پر توان ملیشای نظامی داشته باشیم. ما باید غند ها و دیگر قطعات نیرو مند و قوی سرحدی داشته باشیم تا از سرحدات کشور دفاع کنند.

مابرای تحقق آرمان هایی که انقلاب ثور به خاطر آن به پیروزی رسید تا آخر بافداکاری و وفاداری مبارزه خواهیم کرد. در هنگام انقلابات، جنگهای اعلام شده و یا اعلام ناشده (در افغانستان جنگ اعلام ناشده تحمیل گردیده است) همه مردم، تمام ملت در مبارزه با دشمن بر می خیزند. البته

ما هنوز در آن وضع قرار نداریم که شعار دهیم: «همه بسوی جبهه نبرد!» اما عمل نکردن و یا درست کارنکردن برای افزایش کمی و کیفی بیشتر نیرو های مسلح رانیز حق نداریم.

تاریخ مثالهای زیادی از قهرمانی های توده یی را در مبارزه با دشمنان وطن به یاد دارد. بیاد داشته باشید که تجارب زیادی هم است که ما می توانیم به حیث سر مشق بگیریم. از تجربه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، از تجربه جنگ داخلی، جنگ کبیر و طنی مردم شوروی علیه فاشیزم هتلری به صورت مشخص فرا گیریم. بیاموزیم که چگونه بلشویکها، کمونیست ها توانستند **مردم را متحد** سازند و از سخت ترین ودشوار ترین آزمایش ها موفق و پیروز بیرون آیند. آنها خود شان همیشه درصف مقدم و در قطار اول مبارزه قرار داشتند و توده های مردم رابدنبال خویش می کشانیدند. همه رهبران حزبی و دولتی، منشی های کمیته مرکزی، منشی های سایر کمیته های حزبی، وزراء یا در جبهات بودند یا در ولایات، در فابریکه ها، در مزارع به خاطر پیروزی کارو مبارزه می کردند. در آنجا نیرو وقدرت واحد وديناميك كار و پیکار تسلط داشت این نیروی واحد وارادهٔ حزب وخلق، رهبران و توده های زحمتکش هرنوع دشواری ها حتی دشواری هایی را که غیر قابل رفع معلوم میشداز میان می برد. هریک از ما نیز باید بخاطر پیروزی قطعی بدون دریغ از صرف همه انرژی خود، کار و پیکار نماییم.

من با تاسف باید بگویم که بسیاری از کارمندان رهبری حزب، دستگاه دولتی، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن هم درمرکز و هم درمحلات مسوولیت خودرا در برابر وضع در کشور، در ولایات منجمله در امر تحکیم هر چه بیشتر نیرو های مسلح کاملا درک نمی کنند.

مانیرو های ذخیره برای تحکیم اردو، خارندوی وخاد داریم. این نیروی ذخیره و اضافی هم در کابل و هم در ولایات وجود دارد. در بین کارمندان دولت، در وزارت ها و ادارات تعداد زیاد واضافه از ضرورت وجود دارد که میتوان به خدمت در نیرو های مسلح سوق داد. مثلا در سیستم تعلیم و تربیه چنین افرادی وجود دارند. تا هنوز نه تنها آنان رابه قوای مسلح سوق نداده اند؛ بلکه حتی به ولایات هم که کمبود شدید معلمان احساس میگردد، نفرستاده اند.

مانیرو های اضافی در حزب، سازمان جوانان وسایر سازمان های اجتماعی داریم. چرا ما جلب واحضار به اردو راتقویت نمی بخشیم؟ آیاهمه آنهایی که اکنون اسنادمعافیت از خدمت عسکری دردست دارند، اسناد مذکور را بر مبنای قانونی اخذ نموده اند؟

من از شما که به حیث کارمندان رهبری حزب ودولت ایفای وظیفه میکنید جداً آرزو می کنم که برخورد تانرا با این پروبلم تغییر دهید. شما باید تدابیر مشخص را به

منظور افزایش نیرو های مسلح از لحاظ کمیت اتخاذ نمایید. این مساله مربوطه هر کدام از ماست.

رفقا!

میخواهم یک مطلب دیگر را خاطر نشان سازم. هر دولت دارای نیرو های مسلح میباشد. داشتن نیرو های مسلح خصوصیت اساسی حاکمیت دولتی است و تحکیم نیرو های مسلح به معنی تحکیم این حاکمیت وقدرت است. اما درینجا یک سوال اصولی مطرح است: این دولت چگونه دولت است و نیرو های مسلح آن چه وظایفی را انجام میدهند. دولت هایی وجود دارند که تعداد اردو و پولیس خویش را افزایش می بخشند وآنرا با جدید ترین سلاحها برای سرکوب جنبش دموکراتیک در داخل کشور خود و عملی ساختن اهداف تجاوز کارانه ومداخله مسلحانه در امور سایر خلقها، مجهز می سازند. اینها دولت های ارتجاعی ـ امپریالیستی اند که تظاهرات طرفداران صلح راپراگنده میسازند و اشتراک کنندگان آنرا مورد تهدید، تعقیب، تضییقات، لت و کوب و فشاربیرحمانه قرار میدهند. اینها دول امپریالیستی و در راس امپریالیزم امریکا است که «نیرو های عکس العمل سریع» را ایجاد می کنند و بحریه کشتی های جنگی و طیاره بر دار خود را به سواحل بیگانه که هزار ها کیلو متر دور تر از کشور خود شان قرار دارد، می فرستند. اینها تجاوز علیه یک کشور مستقل را تحقق می بخشند ودر پی آن فرستادن نیرو های مسلح به کشور های دیگر را پلان می کنند.

ولی مابا تحکیم نیرو های مسلح اهداف کاملا دیگری را تعقیب می کنیم. هدف ما اینست که به مبتکرین جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان پاسخ شایسته بدهیم. باند های ضد انقلاب را سرکوب قطعی نماییم ودر سرتاسر کشور شرایط صلح آمیز را برای ادامه تحولات انقلابی بخاطر شگوفانی وطن وسعادت زحمتکشان، ایجاد کنیم. بدیهی است که ما از سایر وسایل سیاسی و مسالمت آمیز برای تحکیم و توسعه حاکمیت زحمتکشان نیز استفاده خواهیم کرد.

چندی قبل بسیاری ازرفقای حاضر در این جلسه مسوده قانون «ارگان های محلی قدرت دولتی و ادارهٔ جمهوری دموکراتیک افغانستان» را دریافت داشته اند. درآینده نزدیک اجلاسیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مسوده قانون مذکور را با درنظر داشت همه پیشنهادات، نظریات، تعدیل و تکمیل پیشنهادی، موردبررسی قرار خواهد داد.

بعد از تصویب این قانون ما درسال آینده کاربزرگ وعظیمی رابرای ایجاد ارگان های حاکمیت زحمتکشان در دهات، علاقداری ها، ولسوالی هاو ولایات بر مبنای دموکراتیک وبا درنظر داشت سنن و عنعنات کشور آغاز خواهیم نمود. این کار عظیم با تاسیس ارگان عالی دولتی در کشور که حکومترا تعیین وقانون اساسی

(ص۴)

(بقیه ص۳)

ج.د.ا. را تصویب میکند تکمیل خواهد شد . همه‌اینها وظایفی است که عملا نسج یافته است . حزب، حکومت، ساز مان های اجتماعی جبهه ملی پدروطن به کمک وپشتیبانی مردم و در پیوند نزدیك و محکم با آن ها باید این پلان ها را در عمل تحقق بخشند .

به طور مختصر در باره پروبلم های اقتصادی ، اجتماعی ، ملی، فرهنگی و برخی پروبلم های دیگر صحبت کنیم :

همهٔ این مسایل در کنفرانس سر تاسری ، درپلینوم های کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، به طور مفصل بررسی شده اند و ضرور نیست موقف ما در این جلسه در باره آنها به تفصیل تشریح گردد . امروز من آگاهانه می خواهم توجه شمارا بیك موضوع متمرکز سازم : بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان منحیث المجموع از فعالیت کمیته‌های حزبی، وزارت ها وادارات، ساز مان های اجتماعی یعنی از فعالیت کار مندان رهبری این ارگان ها در امر تحقق وظایف مطروحه راضی نیست .

رفقا! کار مندان اپرات دولتی، رهبری‌شعبات اقتصاد، زراعت ، اصلاحات ارضی ، کوپراتیف ها و تجارت کمیته‌مرکزی ،روسای دیگر ادارات مربوط سکتور اقتصادی ، کار بخش ها و رشته های اقتصادی‌ما قطعاً وقطعاً پاسخگوی مطالبات وآرمان انقلاب‌و مردم نیست. رشته های اقتصادی و در درجه اول زراعت ، برای اینکه کشور ما کشور زراعتی است ، باید هر چه بیشتر مواد غذایی برای مردم، مواد خام برای صنایع ، کالا ها برای صادرات تهیه کند.باید به صنایع دستی مردم توجه جدی صورت گیرد .

اصلاحات ارضی که مرکز ثقل انقلاب ملی- دموکراتیك ضد فیودالی وو ظیفه آن است ، به کندی پیش میرود. برای حل مساله آب از جانب ارگان های مربوط حزبی و دولتی قطعاً برخورد جدی صورت نگرفته و کار بسیار کم انجام یافته است . کار اتحادیه کوپراتیف های‌دهقانی به بهبود قابل ملاحظهٔ‌نیاز‌دارد.

این تذکرات انتقادی به ساحات دیگر فعالیت‌اقتصادی نیزوارد است . گر چه برای رشد و توسعه ترانسپورت بمثابه شاهرگ اقتصاد کشور کار زیاد صورت گرفته است، اما هنوز کاملا درانجام وظایف‌موفق نیست . درمورد وضع تجارت گاهی برای من اطلاعات خوشبینانه وگاهی بدبینانه ارائه میدارند .اما آنچه که فعلا در عرصه تجارت داخلی و خارجی صورت میگیرد واضحاً کافی نیست . باید توجه جدی به بهبود وضع پولی و مالی صورت گیرد . رهبری وزارت مالیه ومسوولین بانکها در رفع دشواری ها و بهبودوضع در ساحه پولی ومالی از خود ابتکار نشان نمی دهند . باید به مساله صرفه جویی ومبارزه با اسراف توجه‌جدی صورت گیرد . ما باید به آن نقطه برسیم که مصرف یك افغانی ، یك پارچه نان، یك پارچه گوشت ، یك مترتکه، یك قطره روغن وتیل وغیره وغیره را جدامحاسبه وکنترول نماییم . هر مرمی‌ما باید بسینه دشمن اصابت کند . ما انقلابیون ، باید به دارایی‌های عامه ووسایل دولت‌بر خورد دلسوزانه و با احتیاط داشته باشیم واز هر گونه مصرف اضافی و غیرمعقول جلوگیری کنیم .اصراف‌بمثابه مرض واگیر وبلایی است که اگر با آن مبارزه قاطع وبی امان صورت نگیرد همه تار و پود دولت و حزب را مصاب می سازد . باید ارگان های دولتی تفتیش و کنترول وهم کمیسیون کنترول حزبی را برای جلوگیری از این مرض فعال ساخت .

ما باید فیصله های پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان راجدا اجرا کنیم . اقتصاد ما طی سالجاری وسال آینده باید به سطح سال ۱۳۵۷ برسد . وظیفه عمده‌در عرصه اقتصاد برای سال های نزدیك همین طور طرح شده است . اجازه بدهید از رئیس کمیته‌دولتی پلان گذاری، وزراء و معاونین آنان، روسای شعبات کمیته مرکزی وسایر مسوولین امور اقتصادی‌که درینجا حاضر ند ببرسم : آیا وضع کنونی اقتصاد مورد تحلیل و تجزیه قرارگرفته ؟ آیا تدابیری طرح واتخاذ گردیده تا اجرای وظایفی که یازدهمین پلینوم‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا مطرح ساخته است تامین گردد ؟

رشد و تحکیم اقتصادتاثیر مستقیم بالای حل همه پروبلم های حیات جامعه ما دارد . باتحکیم اقتصاد ما می توانیم پروگرام اجتماعی خود را سریع تروکاملتر تحقق بخشیم و ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم را تامین کنیم . در این جهت باید کار بسیار بزرگ ساز مان داده شود : منحیث نمونه امحای بیسوادی را مثال میدهیم که یکی از قانونمندی های انقلاب‌های اجتماعی مترقی است . در این ساحه مافوق العاده بطی و کند و بی اعتنا حرکت می کنیم . من همه دلایل را دارم که بگویم احصائیه های در مورد سواد آموزی غیر دقیق و غیر واقعی اند. همچنان ما نمی توانیم ادعا کنیم که از وضع تعلیم وتربیه در مکاتب وموسسات متوسط مسلکی و موسسات عالی تعلیمی و خدمات صحی برای مردم راضی هستیم .

در عرصه سیاست ملی حزب و سیاست آن در رابطه باروحانیون همه طرحهای عملی نشده‌وگام های جدی، قاطع ومشهود در این‌ساحات برنداشته ایم . حتی کار تبلیغی در میان روحانیون وتوضیح حقیقت در باره انقلاب وموقت حزب راننوانسته ایم به طور شایدوباید ولازم ساز مان دهیم .

بسیاری از شما به مسایل وپدیده ها سطحی و مجرد بدون درك عمیق آنها برخورد نموده اید . این میتود و این طرز بر خورد نا درست است وبه طور قاطع باید آنرا ریشه کن ساخت .

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

رفقا !

برای موفقیت هر حزب سیاسی مساله جلب متحدین بسوی خود اهمیت فراوان دارد . به عام ترین شکل این متحدین عبارت از آن طبقات، قشر ها و گروه های جامعه است که از سیاست حزب پشتیبانی میکند و یا می‌تواند پشتیبانی کند و علیه آن‌حزب ودر ضدیت با آن قرار نمی گیرد .من نمیخواهم در مورد این موضوع با تفصیل حرف بزنم ، زیرا نیاز مند وقت کافی است. اما در رابطه با آن‌میخواهم مطلب زیرین را خاطر نشان سازم . درنزد همه معیارهای بر خورد درست نسبت به جلب مردم ، نیرو های ملی- دموکراتیك ، وطنپرست و مترقی جامعه بسوی حزب دموکراتیك خلق افغانستان وجود ندارد . ما موظف هستیم حلقه متحدین خویش راوسیع بسازیم نباید فقط به این اتکاء کرد که این متحد ، دیروز چه روشی داشت ، کی بود . امروز وی با شما است . از شما پشتیبانی میکند شما را تایید میکند و همراهو همگام باشما حرکت میکند از این ممیزه عمده در رفتار وی‌باید استفاده کرد . این شعار ما ، تاکتیك و شیوه ماست .

به آنانی که « بیطرف » هستند ، علیه ما سلاح‌برنمی دارند ، کار شکنی نمی کنند وبادشمن پیوند ندارند، نیز باید بر خورد خوب و با رعایت داشت و آنان رابطرف خود جلب کرد یکبار صلح‌و امنیت را در کشور تامین کنید ، در قلوب و عقول مردم **بطور قطعی نفوذکنید** که مردم ، حزب ، حکومت ودولت زاپذیر ند و همیشه باشما **یکجا باشند** ،و در آن وقت ما می توانیم با آنانی که هنوز از ما پشتیبانی نمی کنند ، همراه و همگام با ما نمی روند بدور یك میز نشسته عدم تفاهم واختلافات را حل نماییم . البته ما باید کار جلب متحدین را امروز پیش ببریم و پیش می بریم ، اما در آنوقت مرحله دیگر از تکامل انقلاب وشرایط دیگری و مساعدتری خواهد بود .

مخصوصا باید ضرورت بر خورد درست بامتخصصان غیر حزبی- کار مندان‌دستگاه **دولت ، انجنیران وتخنیکران ،** معلمان و استادان موسسات تعلیمی ، کار مندان طبی و غیره را خاطر نشان ساخت. اکثرا ،آنان دستیاران و یاوران نیرو مند شما اند،از شما در کار ها و فعالیت های تان پشیبانی میکنند . این افراد دانش ، استعداد و قدرت خود را در خدمت حزب ودولت قرار داده اند . ما می دانیم که‌برخی روشنفکرانی وجود داشتند که به وطن خیانت کردند و به غرب فرار نموده‌اند . اما آنانی را که در افغانستان باقی مانده اند ، نسبت به حکومت وفادارانده و صادقانه واز روی وجدان زحمت می کشند باید به حیث وطنپرستان احترام کرد . باید به آنان مطابق به دانش وتجربه شان امکانات کار و فعالیت در مقا مات دولتی‌هم درمرکز و هم در ولایات مهیا گردد .

هدف من عطف توجه شما به مساله بر خورد با مردم است . شما میدانید ، خوانده اید که دروقت انقلاب ، در وقت جنگها ، در دشوار ترین اوضاع واحوال، هنگامیکه موضوع مرگ و زندگی‌مطرح بوده حزب کمونیست اتحاد شوروی این شعار را به پیش کشیده که ((کمونیست ها به‌پیش !» حزبی ها همیشه هم در جنگ و هم در کار در صف اول قرار داشته اند آنها پیش آهنگ بوده اند و توده های مردم به عقب شان آمده اند . ضرور است که اعضای حزب ما، حزب دموکراتیك خلق افغانستان در همه جا ،در بر خوردورفتار خود، در کار ، در اوضاع جنگی ،در زندگی شخصی باید نمونه وایدیال مردم و کشور خود باشند .

مانمونه های تاریخی‌بسیاری در کشور خود ، نمونه عیاران سیستان وهرات ، نمونه جوانمردان کندهاری و کابلی را داریم . چنین گروه های شجاع ودلیر ونمونه های برازنده در پکتیا وسایرمناطق کشور نیز وجود داشتند .ما دربین پدران ، اجدادونیاکان ما در تمام ملیت ها و اقوام افغانستان چنین نمونه های بزرگ را داریم .

ما، حزبی ها از همه اول باید در تمام شوون زندگی ومخاطرات و در تقوای زندگی ودر حیات خصوصی خوددر صف‌مقدم باشیم و بدرجه اول سینه های خودرا سپر دفاع از وطن وانقلاب سازیم . ما باید همه مردم را بدنبال خویش بکشانیم و در همه عرصه هاو حوادث زندگی چنین عمل نماییم .

خوب، حالااکثرا یك‌بهانه‌راپیش می کشند و می گویند فلان کارنشد ، زیرا امنیت‌وجود ندارد . واقعاً شرایط صلح آمیز نه بلکه جنگ است و حزب متحمل تلفاتی میگردد. اما من از شما می پرسم و شما هم صریح و صادقانه بگویید **:آیا هنگامیکه انقلاب** به پیروزی رسید ما در این فکر بودیم که همه چیز بدون قربانی انجام می یابد ؟انقلابی واقعی و عضو واقعی حزب با صداقت و از روی وجدان کار میکند ووظیفه خودرا در شرایط گوناگون حتی وقتی که تهدید به زندگی شخصی ومرگ حتمی وی وجود دارد، انجام میدهد . در قاموس مانباید کلماتی چون « نمی توانم » و« نا ممکن» وجود داشته باشد . انقلاب نا ممکن را ممکن میسازد .

من از آنچه که در بالا گفتم، میتوانم این نتیجه گیری را **بکنم: جریان رشد حوادث در** عرصه جهانی ، وضع درداخل کشور و حزب ، وظایف بزرگ و پیچیده ایکه ما باید انجام دهیم از هر کدام ما وحدت ، احساس هر چه بیشتر مسوولیت ، آگاهی ، دسپلین پذیری ، ابتکار ، توانایی برای کار درست ، صرف‌وقف کامل دانش ، استعداد ، نیرو های معنوی وفزیکی ما را می خواهد . تحقق عملی این مطالبات محتوی فاز نوین را میسازد. این فاز که من در باره آن صحبت کردم واقعیت انقلابی ما راغنا بخشیده و پیشرفت ما را سریع میسازد .

بدین ترتیب رفقا ،هدف جلسه امروز مطلع ساختن شما رفقا از مطالباتیست که بیروی سیاسی‌کمیته مرکزی بطور دایمی و پیگیر از همه کار مندان رهبری حزب و دولت ، **از همه فعالین ، از** ساز ماندهان کار ارگان‌های حزبی ودولتی می طلبد و اجرای آنرا جدا و قاطعانه‌می خواهد وخواهد خواست . این مطالبات نظر واحد و یگانهٔ همه اعضای بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی ، موقف کار مندان رهبری ، ارگان های حزبی را انعکاس داده و ناشی از خواست زندگی ، ناشی از خواست مردم ، ارادهٔ مردم و ناشی‌از قانون انقلاب ماست .

اکنون در باره بعضی مسایل و نکات مشخص که باید در فاز نوین‌مرحلهٔ نوین ، جدی و درست به آن توجه شود ، اشاره می کنیم .

من قبلا گفتم که امروز توجه عمده خودرا معطوف به کمبودهاو نقایص می سازیم. بیایید فکر کنیم که چه کسی مسوولیت دارد تا این نقایص وکمبودی هارارفع کند ؟البته روشن است که حزب بمثابهٔ نیروی رهبری کننده وهدایت کننده جدا مسوولیت دارد . اگر نقایصی وجود دارد ، پس حزب در رهبری جامعه، سازمان های اجتماعی، مردم وانقلاب اشتباهات ،نارسایی هاو عدم دقت هایی رامرتکب شده است . پس باید سوال عمده را اینطور طرح کرد: برای اینکه از نقایص موجود در آینده مبرابود ، برای رفع نارسایی هاواقدامات نادرست باید بخود حزب‌توجه جدی واساسی رانمود .

ما میدانیم که چه چیزی کلید حل همه پروبلم ها و حلقه اساسی و عمده است‌که باچنگك زدن به آن میتوان تمام زنجیر را بدست آورد. باچنگك زدن به این حلقه ما میتوانیم چون ماهی گیر نیرو مند و ما هر که با انداختن درست جال زیادترین تعداد ماهی هارا میگیرد ، مسایل دیگر را حل کنیم .این حلقه عبارتست از مساله وحدت حزب .

مساله وحدت حزب، به مثابه مساله مهم ،درجه یك وحیاتی بارها در پلینوم‌های کمیته مرکزی و درکنفرانس سرتاسری حزب نیز مطرح شده است . امروز باز هم در باره وحدت ارگانیك وواقعی حزب صحبت می کنم . شما، بحیث کار مندان رهبری خوب میدانید که هنوز هم مواردی ازاعتراف به ضرورت وحدت در حرف و نقض آن‌و حتی خیانت به وحدت‌در عمل به مشاهده می رسد .

سوال پیش می آید که چرا ما طی چهار سال مرحله نوین انقلاب در باره وحدت حرف می زنیم ؟بیایید تاریخ حزب خودرا بیادآوریم. بسیاری از شما شاهد همه مراحل تکامل حزب دموکراتیك خلق افغانستان . بنیاد گذاری ورشد آن بوده اید شما جوانب ضعیف آنرا می دانید : در گذشته حزب به گروه هاتقسیم شده از لحاظ سازمانی ناتوان وپارچه پارچه و آمادگی ایدیولوژیك اعضای حزب غیر کافی بود. دریك کلمه ، چه چیز ها یی که‌**درحزب‌وجودنداشت.** بعد از انقلاب و هم بعد از مرحله نوین بسیاری از این خصوصیات و جهات ضعیف در درون حزب ، در وجود خود ما باقی ماند ، زیرا نمی توانست فورا و بلا معطلی از شعور ، رفتار و اعمال ما **ناپدید گردد .**

خوب با این وضع رهبری حزب در مرحلهٔ نوین چگونه باید بر خورد می کرد ؟ مافکر می‌کنیم که زمان معین لازم بود تا در حزب پروبلم وحدت راعمیقاً درك و هضم نمایند . زمان لازم بود تا بار سنگین اشتباهات گذشته ، گمراهی ها، بدبینی ها و حتی در بعضی حالات دشمنی ها و خصومت هانسبت به یکدیگر بدور انداخته شود . توضیح باحوصله و میتود اقناع و تجدید تربیت و سیله عمده ما در مبارزه به خاطر وحدت است .

برخی ها این موقف را درست درك نکرده‌ند . حتی افرادی هم آنرا ناشی از ضعف رهبری دانستند . بعضی هافکر می کنند که رهبری فاقد صلاحیت و کفایت است . آنها حتی این فکر را در محافل خود ودر صفوف حزبی تبلیغ کردند و تلاش ورزیدند افکار عامه را به این جهت سوق دهند . اینها در پردهٔ وحدت ، در حزب، انقلاب ، دولت زحمتکشان افغانستان و وظایف‌انترناسیونالیستی ما نقب گذاری می کند .

ولی وجدان آنان به‌ایشان حکم نمی کند که این تدبیر و بر خورد مدبرانه رهبری بود که چطور پارچه های حزب جمع گردد ، بهم پیوند **یابد ، به صورت موزون‌وهم** آهنگ بهم جوش داده شود وتحکیم یابد و به‌آن نیروی **تحرك جدید داده‌شود،رهبری** برای ایجادارگان های‌قدرتمند **وقادر به کار و متشکل** رهبری کننده در مرکز و در محلات ، برای ایجاد یك‌سیستم تشکیلاتی منظم در حزب ودر دولت، برای تصویب **«اصول اساسی ج.د.ا. »برای تدویر کنفرانس سر تاسری حزب ، پیشبرد جلسات گزارش دهی در ساز مان های اولیه حزبی ، رشد و تکامل تدریجی دموکراسی** درون حزبی کار، فعالیت و **سعی می کرد .**

به‌یك کلمه ماسعی می کردیم چگونه مواز ین‌اساسی یك حزب طراز نوین انقلابی در عمل پیاده‌گردد و حزب دموکراتیك خلق افغانستان نه به نام ، بلکه در ماهیت وعمل چنین حزب واقعی **باشد** . سپاس گزار از مشاورین و دوستان شوروی ما که بسیار برادرانه‌و رفیقانه **تمام تجارب غنی خود را به** دسترس حزب ما گذ اشتند و کمك نمودند تا ما وسیعا ازآن **استفاده کنیم .**

در عین زمان ما باید امر انقلاب را به پیش می بردیم، صد ها پروبلم پیچیده راکه برای شما معلوم است حل می‌کردیم . اردوی واقعی‌قادر به دفاع از انقلاب را می ساختیم که در لحظهٔ آغاز مرحله نوین انقلاب هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت در پایین ترین سطح قرار داشت . دوستان مادرین امرنیز بما کمك کردند .

دشواری های دیگری‌نیز وجود داشت. اما اکنون حزب ودولت نیرو می گیرد و ما تجارب اندوخته ایم . همه اساسات لازم ودلایل راداریم تاسطح مطالبات و مسوولیت افراد را در برابر اعمال ورفتار و کار شان ارتقا بخشیم . حالا دیگر به موازات توضیح واقناع و تجدید تربیت ما موظف هستیم از تدابیر دیگر اثر بخشی بالای کسانیکه وحدت در حزب را نقض میکنند تاسرحدمجازات و اخراج از ح. د. خ.ا نیز استفاده کنیم و استفاده می کنیم . این حرف های میان تهی نیست .

در مورد وحدت چی می گویند ؟«خلقی »و«پرچمی» چیست ؟ بیایید یکبار دیگربا هم در این زمینه بیندیشیم ما هیچوقت بین خود نگفته ایم که این چنین است و آن دیگری چنان . در همان بدو امرانقلاب مرحوم نور محمد تره کی طی مصاحبه‌مطبوعاتی در برابر ژورنالیست های خارجی در باره اصطلاح«خلقی» و«پرچمی» جواب داد و گفت که «برادر این یك چیز قابل قبول نیست وما این طور چیزی را نمی شناسیم . حزب ما ح.د.خ.ا است «خلق» و«پرچم» ارگان های نشراتی حزب ماست .هر دوی آن به حزب ما متعلق است . »

منجمله رفیق بارق به‌حیث مدیر مسوول جریده «خلق» بیاد دارند که بار اول کلمهٔ «خلقی» را من در مقاله« راه ها ووسایل ...» در جریده خلق بکاز بردم .

(بارق شفیعی : « بلی همین طور است ، شما نوشته کردید . »)

پس رفقا بگویید :اگر من این اصطلاح رابرای نخستین بار در حزب ما استعمال کردم آیا من خلقی اول نیستم ؟اما من جدی حرف میزنم بدون مزاح . اگر خلقی بودن به معنی تعلق به کدام بخش یافرکسیون در حزب نه ، بلکه به معنی رابطه و تعلق به همه خلقهای افغانستان بدون تبعیض و تمایز اعم از پشتون ها، تاجیکها، ازبکها، هزاره ها ، ترکمن ها ، نورستانی ها ، بلوچهاو غیره و غیره است به معنی مبارز راه سعادت همه‌مردمان افغانستان است ، در آن صورت افتخار میکنم و با غرور وسر بلندی نام خلقی اول راقبول دارم .

اما اگر تحت کلمهٔ «خلقی» سکت ، فرکسیون و گروپ در حزب مدنظر باشد ، در آنصورت با تمام نیرو و تا آخرین قطره خون علیه چنین سکتاریزم «خلقی» که وحدت حزب‌را مختل میسازد ، مبارزه خواهم کرد .

(ص۵)

(بقیه صفحه چهارم)

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

در باره اصطلاح دیگر یعنی «پرچمی» اگر منظور از خود اصطلاح باشد به تنها یی‌خود هیچ چیزی رابیان نمیکند. اگر کسی میگوید پرچمی هستم معنایش چیست ؟ اگر پرچم خلقی نباشد میتواند رنگ سفید ، سبز ، هر رنگ دیگرحتی سیاه‌داشته‌وازدشمن باشد . پس مساله نه برسر نام و اصطلاح بلکه روی‌محتوی مساله است .

در اینجا چند نفر از موسسان حزب وجود دارند. رفقا بیاد دارند . ما همه در مسایل عمده مواضع‌مشترک داشتیم . یکجا ارگان نشراتی ((خلق)) را ایجادکردیم، باهم مبارزات پارلمانی راپیش بردیم در همه مراحل مبارزه ما دشمنان مشترک‌ودوستان مشترک داشتیم .ما ایدیولوژی واحد ، نقطه نظر مشترک در مورد مسایل بین المللی و ارزیابی همگون از وضع منطقه داشته ایم . اتحاد شوروی دوست مطمئن حزب مابود اصول‌ساز مانی ما یکسان بود . پس چه رخ داد ؟ اختلافات درونی در نتیجه تحریک و تفتین دشمن بمیان آمد و ما از هم جدا شدیم . در هر حال علت انشعاب واختلافات دردرون حزب ، به اثر تحریکات عمال ارتجاع و امپریالیزم در درون حزب بود .

می خواهم خاطر نشان سازم که دشمنان ماازطریق رادیو های غرب به کمک مرتجعین پاکستانی ومرتجعین دست راستی ایرانی اکنون نیز تلاش می ورزند بااستفاده از اصطلاحات « خلق»و«پرچم» در حزب ما تفرقه ودو گانگی را ایجاد و پشتیبانی کنند . شرم وننگ به آنانی که‌تسلیم تفتین های دشمن شده وآرمان های مقدس‌و عظیم انقلاب‌ثوررا فراموش میکنند .

من بشما با صراحت می گویم ، آنانیکه‌خودرا ((خلقی)) می نامند و هم رفقای نا استوار که خودرا «پرچمی» می نامند اشتباهات زیاد کرده‌اند . دراینجا کسی‌برکس دیگر رجحان ندارد .

شما میدانید ، که درین اواخر کلمات « خلق» و«پرچم» رابخاطر اینکه تفسیر نادرست وسوء صورت نگیرد،استعمال نمی کردیم . لیکن با درک اصولی ، درست و حزبی‌چرا از استعمال آنها خود داری کنیم ؟ اگر کسی مفهوم‌تفتین را در زیر این نام ها مستور نسازد باید گفت که هر دو اصطلاح از افتخارات حزب‌ما وبخشی از تاریخ آن است . ونباید هراس داشت که در مغز شیطانی کسی در قبال ما افکار ناپاک بوجود می‌آید. واگر درنزد کسی افکار نادرست‌بوجود می آید ، مهم نیست هر کسی باشد ، از جمله به اصطلاح « خلقی » های سابق ، یا « پرچمی » های سابق ویا از هر گروه و سکت پنهانی دیگر که در حال تشکل است و یا موجود است ، باز هم نیرو های اصولی ووفادار حزب باید تا آخر علیه آنها مبارزه کنند. رفقا ! شما بامن موافق هستید ؟

ازسالون «بلی !»

رفقا !

توجه کنید :

ما باتامین وحدت‌در حزب برای نخستین بار در تاریخ افغانستان جهان کهنه را عوض کردیم و بنیاد جامعه نوین را گذاشتیم . این کار ساده نبود . فقط وقتیکه‌بعد از انشعاب ، وحدت حزب تامین شد انقلاب ثور پیروز گردید و مرحله نوین انقلاب ؟ آیا پیروزی‌آن می تواند به حیث خدمت کدام شخصیت ، کدام یک از شما، یا من به تنهایی حساب شود ؟ مثلا شما رفیق وطنجار دراین مورد چگونه فکر می کنید ؟

(رفیق وطنجار می ایستد و روبه طرف سالون نموده،می گوید : « مرحله نوین انقلاب ثور به‌وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمیان آمد »)

رفقا !

پس رمز پیروزی های ما در چیست؟ بدرجه اول در وحدت ویکپارچگی حزب .

مهمترین عامل پیروزی ها وحدت عام و تام سیاسی، ایدیولوژیک و ساز مانی از بالا تا پایین است . نه تنها کادر های رهبری حزب و دولت بلکه تمام حزب در مجموع باید مساله وحدت را فقط همین طور درک کنند .

همهٔ ما ازآرمان های انقلاب ثور دفاع می‌کنیم ، همهٔ ما تیوری انقلابی علمی رارهنمای عمل قرار داده ایم ، همهٔ ما به مردم زحمتکش افغانستان خدمت می نماییم ، همهٔ ما اعضای حزب واحد ـ حزب دموکراتیک خلق افغانستان هستیم . ما همه وطنپرستان وانترنا سیونالیستان وفادار و صادق هستیم ، در خانواده واحد ، در خانه‌واحد زندگی و پیکار می کنیم ، زندگی شگوفان ونوین را ، ایجاد می کنیم و به خاطر سعادت زحمتکشان کشور خویش تلاش داریم .

رفقا !

دراین راه ـ درراه حزب واحد وهدف واحد، دلیر و فدا کار باشید !

کسانیکه آگاهانه یا غیر آگاهانه ، شعوری یا غیر شعوری ، عمدی ویا غیر عمدی آتش اختلافات را دامن می زنند ، دراردوگاه دشمنان انقلاب، دشمنان آزادی و استقلال وطن ودر خدمت دشمن قرار میگیرند .

رفقا! من بشمامخصوصاً کادر های رهبری‌جدآهشدار میدهم، امروز اعضای صفوف حزبی می‌گویند : « شما بین خود درست شوید ، ما درست هستیم ! » آیا رفقا این ننگ نیست ؟ آیا شرم‌نیست؟ صدای مردم را می شنوید که چه می گویند ؟ من با زبان وطنی و عامه صحبت می کنم تا همه چیز روشن و قابل درک باشد .

درباره یک جهت دیگر مساله وحدت باید حرف بزنیم . تعدادی از گروه های چپ‌و دموکراتیک در زمان‌های مختلف از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بیرون برآمده اند . اینها عبارتند ازچند ین گروه که بعضی آنها سه سال قبل دوباره به حزب پیوستند وبرخی از آنها در پروسه پیوستن به حزب اند . حزب دموکراتیک خلق افغانستان ما دراین گروه ها است و به

همین سبب حزب دوباره فرزندان خودرا جمع میکند و دست خودرا برای کار وپیکار مشترک به خاطر انقلاب پیش میکند . بیروی سیاسی کمیته مرکزی معتقد است که همه نیرو هاییکه آماده و قادر هستند تا دست به دست باما در صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان حرکت کنند، باید مساعدت شوند . ما همیشه بر خورد طبقاتی‌داریم، ما همیشه وحدت بر اساس طبقاتی را اساس قرار می دهیم ما میدانیم که این‌گروپ ها نسبت به بعضی پرو بلم ها منجمله در مساله ملی نظریاتی داشتند .ولی ما یقین داریم که در جهات عمده اهداف و موقف‌های ما باهم مطابقت دارد . اگر این رفقا از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان واز انقلاب ثور پشتیبانی می کنند وحاضرند با دشمنان آن پیکار کنند ، ما با صمیمیت دریک راه با ایشان خواهیم رفت . دراین رابطه می‌خواهم بگویم که به رفقایی که از این گروپها شامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان می گردند ،باید برخورد عادلانه ودرست صورت گیرد ، به ایشان کمک و پشتیبانی لازم مبذول گردد ، زیرا در سال های اخیر در زندگی حزب تغییرات زیادی رخ داده و مهم است که این تغییرات درست و صحیح درک و هضم گردد .

بدین ترتیب ، رفقا ! در صورت وحدت واقعی و ارگانیک ما می توانیم تمام‌آرمان هایی را که توضیح نمودیم وهمهٔ آنچه را که پیش بینی می کنیم کاملا تحقق بخشیم‌و واقعاً در خدمت مردم ووطن خود قرار گیریم .

مطالبه دیگری که بیوروی سیاسی در فازنوین بهبود کار در برابر همه قرار میدهد ، همانا تحکیم دایمی و همه جانبه دسپلین حزبی و دولتی است .

این موضوع نیز جدید نیست .ما بار ها و با تفصیل در مورد آن صحبت نموده ایم وامروز قصد ندارم باز هم اهمیت دسپلین و ضرورت آنرا برای حزب طراز نوین طبقه کارگر توضیح کنم .من در باره جنبه دیگری صحبت می کنم .بیوروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قاطع ، پیگیر وجدی تحکیم عملی دسپلین را در حزب ودولت ، در همه حلقات از بالا تا پایین خواهد خواست .و. ای. لنین می گفت :

«اگر رهبری می خواهد دسپلین محکم را در حزب تامین نماید باید از خود شروع کند . » این رهنمایی‌به همه اشتراک کنندگان جلسه امروزی وآن کارمندان رهبری که در اینجا حاضر نیستند ، مربوط میشود .

رهبران درهر مقام‌ومنصبی که باشند باید نمونه بوده واز خود مثال دقیق بودن، مجری بودن وبا دسپلین بودن در همه امور اعم از خورد و بزرگ رانشان دهند. اینکار نه تنها برای موفقیت کار خود شان ، بلکه برای تربیت ارگانها ـ

ادارات و کارمندان تحت رهبری شان نیز مهم است. یک حقیقت ساده زندگی بشما معلوم است : اگر رهبر یا آمر ، خود بی دسپلین باشد ، افراد زیر دست وی نیز چنین میشوند . یک نتیجه وجود خواهد داشت: کار ارگان ، موسسه یا سازمان مربوطه مختل وپراگنده و به ناکامی مواجه میگردد .

ما با جدیت و قاطعیت اعلام میدرایم که بعد از این به هیچ وجه بی مسوولیتی ، بی مبالاتی ، تعلل وشانه‌خالی کردن از اجرای فیصله ها و یا عدم اجرای آن و بی دسپلینی را اجازه نمی دهیم وتحمل نخواهیم کرد . این مساله نه تنها متوجه کار مندان رهبری بلکه ارگان ـ ها وموسسات تحت رهبری شان نیز است . به اجرای قطعی ، حتمی و جدی فیصله های اتخاذ شده و دساتیر ارگان های رهبری ،پلینوم، بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی توجه بخصوص مبذول میگردد .رهبری‌جمعی در حزب هر چه بیشترمعمول میگردد . امروز آن وضع دیروز نیست که یک فردحاکم باشد واراده وی همه چیز را تعیین کند . در پلینوم های کمیته مرکزی که بطور منظم دایر میگردد مهمترین پروبلم های تکامل انقلاب ، حزب وامور مهم ترین وظایف مورد بررسی قرار میگیرد . در مدت زمان بین پلینوم‌ها همه فعالیت روز مره و همه جانبه حزب را بیوروی سیاسی ودارالانشا رهبری می کنند . اجرای تمام تصامیم این ارگان ها برای همه حتمی است . متأ سفانه تعداد زیاد مصوبات درست و قانع کننده اجرا نمی شوند ، این یکی از مظاهر ضعف‌دسپلین است . بعضا رفقا بعوض اینکه به‌مسائل هی امور مشخص بپردازند ، برای عدم فعالیت خود بهانه می جویند و دلایل می تراشند، بعضا به انتقاد پنهانی و محفلی از تصامیم می پردازند ودر نتیجه از تعمیل آن جلو گیری میکنند .

در میان ما آزادی کامل بیان ، نظر ، آراء و پیشنهاد تا هنگام اتخاذ تصمیم وجود دارد . بعد از اتخاذ تصمیم همه نیرو ها باید در جهت تحقق عملی آن متوجه‌گردند.

یکروز رفیق زیری گفت : «ما در جریان انقلاب قرار داریم ، در حالت جنگ اعلام ناشده هستیم در چنین اوضاع هر کس که بخواهد به آسانی می تواند قهرمان انتقاد شود ».

رفقا! اجازه بدهید به چنین « قهرمانان انتقاد » که غیر شریفانه به نقایص انگشت می گذارند ، ولی خود هیچ عملی برای رفع آن نمی کنند بگوییم : جای شما در صفوف حزب ما نیست. سر انجام این شکل «انتقاد» فرکسیونی‌و محفلی است و خصلت و خصوصیت فیودالی ، بورژوازی وبوروکراتیک دارد . این خصوصیت احزاب بورژوازی است که فرکسیونها وجناح های مختلف اجازه دارندبدون مسوولیت حرف بزنند و تحت نام « آزادی » در حلقه

هاو شب نشینی ها و خوش گذرانی ها به سیاست زیر سقف و مباحثات خصوصی بپردازند و بار بیایندوجانب داری ها کنند . این چنین رفتار برای حزب طراز نوین پیش آهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان از لحاظ اصول، اخلاق حزبی و دسپلین قطعا مجاز نیست . بعضی ها می خواهند رفاقت های شخصی ، رفاقت های سابقه وجدید را به معامله مبدل سازند ، از آن بغرض‌اهداف ناجایز خود استفاده کنند . به آنان هشدار داده میشود که هنوزوقت است اگر شرافتمندانه از این انحرافات دست بکشند این بدان معنی خواهد بود که آنان مفهوم فاز نوین را درست درک کرده اند .

من جداً اخطار می دهم و دعوت می کنم که این خصوصیات وخصلت‌ها ،این‌سجیه‌و کرکتر تصحیح گردد . ما وظیفه داریم دروجود همه اعضای حزب دسپلین آهنین را تقویت کنیم و به این کار نایل خواهیم‌شد . و.ای .لنین میگفت :

«حزب و حدت معین‌سازمانی است و افرادی که از دسپلین این سازمان تبعیت نمی کنند و آنرا مد نظر نمی گیرند ، تصامیم آنرا می شکنند ، به آن تعلق ندارند .» این قاعده اساسی است ما ازاین قاعده پیروی‌خواهیم کرد .

شرط دیگر بهبود کار ما ارتقای سطح مسوولیت است . اصل مسوولیت یعنی پاسخ گویی کامل و همه جانبه بخاطر وظیفه سپرده شده .ما از این پرنسیپ بطور بلا انحراف پیروی خواهیم کرد .

بیروی سیاسی کیفیت و ارزش هر کار مند رانه بر اساس خدمات گذشته ، نه بنابطول مدت سابقه حزبی، نه بر اساس سطح مقام، بلکه بر اساس اجرای واقعی وظایف ، توانایی برای سازماندهی امور و نیل به‌نتایج مشخص ارزیابی خواهدکرد. البته توانایی کار و اجرای وظایف یگانه معیار نیست. وفاداری به انقلاب به حزب وسیاست آن ، به دولت، به مردم ، بوطن ، به انترناسیونالیزم ، وفاداری به دوستی با اتحاد شوروی‌و سایر کشور های سوسیالیستی نیز خصوصیات ضرور ومهم اند . درینجا تناقض نمیتواند وجود داشته باشد .اما ، اگر عضو حزب ومخصوصا کار مند رهبری نمیتواند وظایف مشخصی را انجام دهد، اگر او قادر به گرفتن نتایج عملی از کار نیست ، پس باوجود وفاداری خود به حزب وانقلاب برای آن مقام وآن کار بدرد نمی خورد .

چنین بر خوردی نسبت‌به همه کادر ها ،از کار مندان رهبری حزبی ـدولتی تامنشی های سازمان های اولیه و آمران موسسات صورت خواهد گرفت . این بر خورد باید هم در مرکز و هم در محلات ، هم در موسسات ملکی و هم در نیرو های مسلح تحقق پذیرد .

ماتصمیم جدی گرفتیم که برای بهبود کار نسبت به ارزیابی ، انتخاب ، انتصاب

وجابجا ساختن کادر ها(که بعضا به حیث یک بهانه برای‌خورده گیر ی‌ها،خورده کاری هاوانواع گمراهی ها مورد سوء استفاده قرار می گیرد) بر خورد دقیق‌اصولی وجدی صورت گیرد .

بیوروی سیاسی جداً مصمم است که دیگر به خود خواهی هایی این یاآن رفیق رحم نکند و هیچ امتیاز بکسی ندهد . آن کسی که امروز در موضع اصولی قرار دارد ، میتواند نزدیک‌ترین دوست ویاور ما باشد ، گرچه دیروز از هم جدا بودیم ودر موضع غیر دوستانه قرار داشتیم . بهترین دوست دیروز ، اگر از اصول پا ـ فراتر گذاشت ، امروز دیگر با مانیست و از هم جدا هستیم. البته حرف بر سر مسایل جدی ، بزرگ ، اصولی است که در موردآن معامله ، مصالحه و کامپرومایز صورت گرفته نمی تواند . این دستور فاز نوین است .

رفقا !

همین هم بهترین ملاک برای دوستی و بهترین شکل دوستی ، رفاقت حزبی و روابط متقابل است . آن‌کسانیکه در جامهٔ دوستی می خواهند برای اهداف غیر مجاز خود محافل‌ و رفاقت ها را ایجاد کنند ، نمی توانند دوستان واقعی باشند . این افراد نا مطمئن اند . آن‌طوری که این افراد دوستان‌و هم رزمان دیروزی خودرافراموش کرده‌اند ، با دوستان جدید نیز چنین معامله خواهند کرد. ما و شما می دانیم که‌در کرکتر بعضی ها چنین خصوصیات وجود دارد.راه مطمئن مبارزه با این خصوصیات ، وحدت حزبی، دسپلین و ارتقای سطح مسوولیت است .

ما همه باید خود را وقف راه انقلاب و مردم کنیم . عضو حزب در هر وظیفه ومقامی که قرار دارد : کارگر ، مدیر مکتب ، آمر فابریکه ، کار مند حزبی یا مامور دولت است ،درداخل کشور یا در خارج قرار دارد، در همه جا او باید صادقانه وشریفانه و ازروی وجدان انقلابی کار کند ، در قدم اول منفعت کار را قرار دهد .

ولی باتاسف برای تان بگویم که بعضی از رفقا که خدماتی هم برای حزب کرده اند ، پیش من می آیند صریح و روشن و برهنه امتیازات و مقام می خواهند . شما بگویید ، آیا من می توانم با آنها موافقه کنم ؟ البته ، نه . ولی‌هنگامیکه جواب ردمی شنوند ،تلیفاتی بدتر از دشمن رابکار می اندازند ، برای اینکه دشمن این قدر خصوصیات ، مسایل و مناسبات درون حزبی را اطلاع ندارد . اینهابه صورت فعال این طرف وآن طرف می دوند ،تلاش می ورزند یکی را و دیگری را به اصطلاح وطنی ما «گپ» دهند . خوب باز این قدر شهامت ندارند که حقیقت را بگویند . و حرفهای خود را زیر نقاب اصولیت ، وحدت و غیره وغیره پنهان میکنند . در برابر اینگونه افراد چه باید کرد ؟من فکر می کنم که این رفتار غیر شایسته و غیر

شریفانه رانه تنها باید تقبیح کرد ، بلکه فوراً و قاطعانه جلو آنرا گرفت .

حالا اوضاع جدید است . اینکه من با صراحت لهجه باشما در این موارد حرف می زنم ، شاهد شکل نوین مناسبات است و این را باید تمام توده های حزبی‌وآهسته آهسته همه مردم درک کنند. ما نمیتوانیم در زیر سقف ها و اتاقهای بسته جامعه نوین رابسازیم .

اخیراً بیوروی سیاسی بعضی اقدامات جدی را در برابر برخی رفقای حزبی که کار مندان رهبری حزبی و دولتی اند ، بعمل آورده است .بیوروی سیاسی معتقد است که این افراد از عهده وظایف سپرده شده بدر آمده نتوانستند .درآینده نیز درارزیابی کار کادر ها چنین بر خورد جدی خواهیم کرد .

اخیراً رفیق کشتمند یک گزارش ریاست کنترول‌و تفتیش رابمن ارائه نمود .در این گزارش فاکتهایی در مورد تخطی ها وسوء استفاده هاکه در موسسات دولتی‌رخ داده درج است . چیزی که مخصوصا مایه تاسف‌است ، اینکه بسیاری از کسانیکه در این سوء استفاده ها دست دارند ، هنوز مجازات نشده اند . من متن کامل این گزارش را قرائت نمی کنم .اما شریفانه باید اعتراف کرد که جای شرم و خجالت است که در میان انقلابیون ، اعضای حزب چنین افرادی هم وجود دارند ، باید در برابر آنان شدید ترین و جدی ترین تدابیر جزایی هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ حزبی اتخاذ گردد . در حزب دموکراتیک خلق افغانستان جایی برای رشوه ستانی ها، سوء استفاده گران ، محتکران و یاکسانیکه در مقامات قرار دارند و اجازه میدهند که این جرایم صورت گیرد ، وجود ندارد .

رفقا ! فاز نوین باید فاز بهبود کار، اقدام ،عمل،تصمیم واراده شکست ناپذیر انقلابی وسازماندهی عالی باشد . یکی از عمده ترین وظایف برای ماآموختن وفراگرفتن میتود ها و طرق رهبری جامعه ودولت است . ما باید کاملا بیاموزیم که چگونه با انرژی، درست، با آگاهی از امور ، با قاطعیت دقت و برش در کار وظایف خودرا اجرا کنیم. ما باید میتود های بیوروکراتیک کار را که از خصوصیات کهنه اپرات دولتی قبل از انقلاب بود و متاسفانه تا کنون نیزدیده میشود ، ریشه‌کن سازیم .

بیادم است ، هنگامیکه در اپوزیسیون قرار داشتیم شنیدم که‌در وزارت پلان آنوقت یک متخصص خارجی می گفت : «در افغانستان خصوصیت عجیب وجود دارد .وقتی می‌خواهید یک مساله را حل کنید و به میرزا مراجعه می کنید، بدون درک مطلب می گوید ، نمی شود . بگویید چرا ؟ با سربطرف بالا اشاره میکند که مقصدش از آمر بالاتر است » . این متخصص می گوید : «من همین طور تعقیب

(ص٦)

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

بقیه صفحه پنجم

کردم به مامور، به مدیر و بالاخره به رئیس و به وزیر مراجعه کردم. هر کس همین طور باسر به طرف بالا اشاره میکرد. خوب پیش صدر اعظم هم رفتم، او هم باکله خود به طرف بالا اشاره کرد. فکر کردم که بالاتر از این کدام مقام است. شاید ضرور باشد به پادشاه مراجعه کنم. بعد از پافشاری زیاد پادشاه را دیدم. او هم سر خود را همین طور بالا کرد». فکر می شود که لازم به توضیح نیست، این میتود های کار شایسته ما نیست. اما بعضی ها چنین موقف های مضحک میگیرند و چیزی مشابه به آن از ایشان به نظر می رسد و جرأت، شهامت و قبول مسوولیت بحد کافی در آنها وجود ندارد. این وضع مانع کار میگردد.

بر عکس بعضی رفقا روی منافع شخصی و یا محفلی شان بسیار با جرأت و شهامت هستند. این افراد به غلط فکر میکنند که گویا قدرتی وجود ندارد که اورا در جایش بنشاند. این انحراف و گمراهی خطرناک و مضر است و ما باصراحت اعلام میداریم که به این جوانب توجه زیاد خواهیم داشت.

میخواهم یکبار دیگر تکرار کنم:

اکنون زمان دیگری است. رهبری حزب ودولت با میتود های ایجاد وحشت و رعب، ترور ووارد ساختن اتهامات ناروا و ترساندن از سر نیزه عمل نمی کند. ما رهبری جمعی و دموکراتیک وبرخورد رفیقانه داریم. دروازه های اتاقهای ما باز است و هر کدام از شما ها می توانید با پیشنهادات، نظریات وتذکرات خود بیایید و مراجعه کنید؛ فقط این پیشنهادات ونظریات باید مستدل، سنجیده شده، معقول وواقعا قابل تطبیق باشند. برای این کار ضرور است تا در امورخویش وارد باشید.

رفقا!

بعد از انقلاب ثور، حزب ما مسوولیت سرنوشت کشور را بدوش گرفته است. در برابر ماوظایف نوین قرار گرفته است که در گذشته در باره آن بحد کافی فکر نکرده ایم. مطابق به آن، خصوصیات وخصلت کار نیز تغییر یافته است.

هیچکس از ماو شما قصد نداشت که وزیر، منشی کمیته ولایتی، والی، صدر اعظم ویا منشی عمومی گردد، در مقاماتی که اکنون ماقرار داریم از طرف حزب وانقلاب توظیف شده ایم. و همه ما بشمول خودم باید دایما بیاموزیم، تکامل ورشد کنیم تا وظایف خود را بهتر انجام داده بتوانیم. دانش وتجربه گذشته دیگر کافی نیست.

از جانب دیگر توجه شما را به این واقعیت جلب می کنم. بسیاری از شما ها در پست های تان تقریبا چهار سال بطور بلاوقفه کار می کنید، از لحاظ طول مدت تقریبا مطابق به زمان تحصیل در انستیتوت و یاپوهنتون است. گرچه حقیقت اینست که همه ماپوهنتونهای دیگری - پوهنتون زندگی داریم. اما بیوروی سیاسی معتقد است که وقت آن فرا رسیده تا از هر کدام پرسیده شود که: «درین مدت چه چیز های را آموخته ای؟ چگونه کار خود را بهبود می بخشی؟» ما عقیده داریم که دلایل واساساتی برای طرح چنین مساله وبازپرسی جدی وجود دارد، زیرا بسیاری باید بیشترمی آموختند و فرا میگرفتند.

فقط یك نتیجه گیری می تواند وجود داشته باشد: کسیکه جداً به ارتقای سطح دانش تیوریك خود یعنی فرا گرفتن علوم و غنا بخشیدن تجربه عملی خود نمیپردازد، در هر مقامی که باشد، از مطالبات و تقاضای زندگی وانقلاب، مردم وپروسه تکامل جامعة، حزب و کشور عقب می ماند. درین صورت او نمی تواند طوریکه لازم است وظیفه سپرده شده را اجرا کند. طبعامقامات حزبی ودولتی مجبور خواهند بود که تصامیم لازم را در مورد وی تا سرحد سبکدوشی از وظیفه بنابر عدم اجرای وظایف ویا به حیث شخصی فاقد صلاحیت، اتخاذ نمایند. هرکس باید متوجه این مطلب باشد.

لازم است که به آموزش واستفاده عملی از تجارب احزاب برادر بدرجه اول حزب کمونیست اتحاد شوروی، تجارب اتحاد شوروی که در کوتاهترین مدت زمان از لحاظ تاریخی کشور عقبمانده یی رابه کشور بزرگ و قدرتمند مبدل ساختند، جداً توجه گردد.

برای تکمیل صحبت های قبلی باید بگویم که درصورت رهبری درست توده های انقلابی طی یك هفته ویكماه ویك سال کار هایی را انجام میدهند که در شرایط دیگر و غیر انقلابی برای آن ماه ها وسال ها ضرورت بود. انقلابیون و مبارزین واقعی باید دایما از لحاظ دانش، تجربه، کرکتر، سجیه، اخلاق، خصلت، توانایی کار و دیگر خصوصیات تحول وتکامل نمایند.

رفقا!

بسیار مهم است که اصل ابتکار یا انسیاتیف رشد یابد. انقلاب همیشه خلاقیت، جستجوی راه های جدید، استفاده از اشکال و میتود های جدید مبارزه و کار را میطلبد. انقلاب به کار میکانیکی، مصنوعی، تقلیدی، لاشعوری ضرورت ندارد. برخورد آگاهانه، درك عمیق ماهیت حوادث و پدیده ها و غنا بخشیدن تجربه، برخورد با مسوولیت و شجاعانه به امور لازم است. میتود ها و اسلوب کار ما باید چنین باشد.

ما باید از دانش و تجربه دوستان و برادران خود مشاوران شوروی استفاده حداعظم نماییم، لیکن مسوولیت کار را کاملا خودتان بپذیرید. شما شرایط، سنن، عنعنات و رسوم کشور تان اقوام و قبایل آن، کوه ها، دشت ها و دره های آنراخوبتر میشناسید. لذا تلفیق هم آهنگ دانش و تجربه رفقای شوروی با دانش و تجربه خود ما اجازه میدهد که یکدیگر را غنا بخشیم کار مشترك را به سطح جدید وبلندتر ارتقا دهیم.

در بارۀ رشد ابتکار باید در عرصه کار خود خوب وارد بود. وضع امور راتحلیل کرد و به بیوروی سیاسی، دارالانشا و شورای وزیران پیشنهادات سنجیده شده ومستدل را ارائه داشت. این کار را چه کسی بغیر ازاعضای کمیته مرکزی، شورای انقلابی، وزراء، روسای شعبات کمیته مرکزی، مسوولین جبهۀ ملی پدروطن، اتحادیه های صنفی، سازمان جوانان، سازمان زنان و مسوولین سایر سازمان های اجتماعی دیگر باید انجام دهد؟

منحیث مثال مسایل حقوقی ووضع قانون گذاری وقانون در کشور را ببینید. تاکنون تعداد زیادی از قوانین کهنه که مطابق منافع و نیازمندی های طبقات استثمار گر و ستمگر چون زمینداران بزرگ، بورژوازی، کمپرادور، بیروکراسی فاسد، اشراف سلطنتی وسایر اقشار طفیلی طرح شده بودبدون تبدیل وتغییر مورد استفاده قرار میگیرند. حقوقدانان ومقامات عدلی ما دراین رابطه موقف غیر فعال دارند. لازم است که این وضع اصلاح گردد و بدون شتاب زدگی، با اطمینان باسرعت و سنجیده شده قوانین ومقررات جدید مطابق به منافع انقلاب ومردم طرح و تدوین گردد.

رفیق کشتمند! در شورای انقلابی فیصله شده بود که قانون کار و کارگر باید تنظیم شود، کارآن بکجا رسیده است؟

(رفیق کشتمند: «مسوده قانون طرح شده است.»)

رفقا! نباید تصویب این قانون را به تعویق انداخت. دولت انقلابی باید بر اساس قوانین خود زندگی کند. قوانین باید متکی به نیازمندی های انقلاب باشد. به آن کمك برساند نه اینکه مانع انقلاب گردد. یا اینکه مانع برای انقلاب ایجاد کند.

رفقا!

نسبت به کار څارنوالی عمومی، څارنوالی اختصاصی انقلابی و څارنوالی قوای مسلح میتوان عمیقا انتقاد نمود که قانونیت طوریکه باید و شاید تطبیق نمی گردد.

رفقا!

برعلاوه من باید در باره جوانبی از رفتار بعضی از رفقا مخصوصا کارمندان رهبری صحبت کنم که به اعتبار و اتوریته حزب لطمه وارد کرده و پیوند آنرا باتوده های زحمتکشان محکم نه، بلکه ضعیف میسازد. هر عضو حزب باید نمونه برخورد درست نسبت به مردم، نمونه خدمت واقعی به مردم و احترام با آن را از خود، نشان دهد. من میشنوم که یکعده رهبران در برابر مردم چون شاهزادگان با غرورو تکبر بر خورد میکنند. حتی در برابر رفقای خود چنین بر خورد دارند. اگر برایش میگویند که توجه کن، با مردم متواضع باش و با انعطاف بر خورد کن! جواب میدهد:

همینطور عادت کرده ام و کرکتر من همین طور است. اما حزب وانقلاب نمی توانند خود را مطابق وساز گار به کرکتر چنین افراد سازند. برعکس خواهد بود و کسی که اینرا نتواند درك کند و یا درك میکند ولی اصلاح نمی شود از صحنه انقلاب وزندگی سیاسی خارج خواهدشد.

ما و شما همه در خدمت مردم قرار داریم. مردم غرور و تکبر، گردن بلندی رانمی خواهند! مردم فروتنی وتواضع را احترام میکنند، ما باید دربرخورد و تماس با مردم خوشبینی ایجاد کنیم نه اینکه آنانرا از خودبرانیم.

ماوظیفه داریم در وجود همه اعضای حزب اخلاق نوین، خصوصیات انقلابی نوین و کرکتر نوین راتربیت کنیم. لازم است تا تضاد بین تکامل و پیشرفت حزب وانقلاب از یکطرف ورشد خصوصیات شخصی و اخلاقی، آگاهی، کرکتر و سجیه از جانب دیگر، رفع گردد. لذا باید یك تغییر بنیادی وانقلابی رادردرك خود، سجیه خود، مغز خود، اندیشه خود و کرکتر خود ایجاد کنیم.

من مسوولیت خود میدانم که صریح، واضح و جدی حرف بزنم. گرچه این حرف کسی رابرنجاند. این وظیفه من است. مااعضای حزب بنام مردم، حزب و انقلاب باید بایکدیگر صریح، جدی ورفیقانه حرف بزنیم.

رفقا!

طرز تفکر، کردار ورفتار وشیوه زندگی بسیاری عملا با اوضاع و احوال و زمان انقلابی تطابق ندارد. بعضی هاطوری زندگی میکنند که گویا در کشور صلح و آرامش برقرار است و بطور عموم آسوده خاطر و بی خیال وبدون نگرانی اند و فکر می کنند وظیفه ما ختم شد، انقلاب کردیم. در حالیکه علیه ماضد انقلاب وامپریالیزم عمل میکند، جنگ اعلام ناشده جریان دارد، باندیت ها آدمکشی می کنند، مکاتب، مساجد، پل ها ومزارع و غیره و غیره را تخریب می نمایند. ما علیه بی پروایی ها، آرامش طلبی ها، بی خیالی ها، مقام پرستی ها، خود خواهی ها و همه آنچه که مانع کار انقلابی میگردد، مبارزه بی امان و قاطع رااعلام میداریم. این خواست اساسنامه حزب است. هر کدام باید بنام سعادت و شگوفانی مردم افغانستان، بنام خوشبختی فرزندان ونسل های آینده آن بدون دریغ از صرف همه نیرو کار کند.

چند حرفی هم درباره مناسبات متقابل اپرات های حزبی و دولتی.

تاکنون مااز این جهت بامشکلاتی مواجه هستیم و اغلب این مشکلات موجب کندی و سکتگی معین در کار ها و اتخاذ تصامیمی که بحدکافی سنجیده نشده، میگردد. متاسفانه تا هنوز بعضی کارمندان هم از لحاظ تیوری وهم از لحاظ پراتیك نمی دانند که چگونه مناسبات متقابل بین ارگان ها و اپرات های حزبی و دولتی درست و صحیح تنظیم گردد. اغلبا امر عمده متکی بر منفعت ومفیدیت کار فراموش می گردد، وملاحظات وملحوظات ناچیز و مربوط به حیثیت وپرستیژ شخصی پیش کشیده میشود. البته ما هنوز تجربه کافی نداریم، زیرا ایجاد اپرات حزبی فقط چهار سال قبل آغاز گردید.

حین بررسی این مساله چه چیز را باید رهنمای عمل خویش قرار دادو به چه متکی بود؟ اپرات کمیته مرکزی ابزار کار کمیته مرکزی، بیوروی سیاسی ودارالانشا است. اپرات اجرای تصامیم و فیصله های بیوروی سیاسی ودارالانشا را تامین می کند، اطلاعات واصله به کمیته مرکزی را تحلیل میکندو تعمیم می دهد، وظایف سپرده شده و دساتیر کمیته مرکزی راانجام میدهد، به کمیته مرکزی در انتخاب وجابجا ساختن کادر های رهبری کمك می کند و از اجرای تصامیم کنترول می نماید.

از طریق اپرات حزبی و به کمك آن مطالبات بیوروی سیاسی و دارالانشا برآورده میشود. پس کسیکه دساتیر و توصیه های سپرده شده از طریق اپرات کمیته مرکزی را اجرا نمی نماید، او دساتیر و مطالبات بیوروی سیاسی و دارالانشای حزب را انجام نمی دهد. ارزیابی دیگری جز این نمی تواند وجود داشته باشد.

ارگان های حزبی واپرات آنها و ارگان های دولتی با اپرات آنها کار واحد و مشترك را انجام میدهند. عین سیاست را تحقق می بخشند و از عین تصامیم وفیصله های حزبی پیروی می کنند. پس هنگام حل مسایل باید متکی بر منفعت کاربود نه بر ملحوظات ناشی از حیثیت و پرستیژ شخصی.

وزراء، معاونین شان وسایر کارمندان رهبری دولتی باید به کمیته مرکزی باکمال مسوولیت و مسرت وافتخار بخاطر آنکه ایشان را به کمیته مرکزی دعوت نموده اند، بروند. بحث و مذاکره روی پروبلم ها در کمیته مرکزی، طرح نظریات مشترك و توافق شده دراین یاآن مساله، تدوین پیشنهادات مشترك سنجیده شده و متوازن فقط به بالا رفتن هم حیثیت و پرستیژ ارگانهای دولتی، وزارت ها وادارات وهم به بالا رفتن حیثیت و پرستیژ خود کمیته مرکزی کمك می کند. اما اگر تفاوت نظر ها و اختلاف نظر ها بوجود آید، در آنصورت بیوروی سیاسی و دارالانشا است که صلاحیت دارند تصمیم نهایی را اتخاذ کنند.

بعضی رفقا آمدن به کمیته مرکزی را تنزل مقام وحیثیت و پرستیژ میدانند. عجیب حزبی ها اند! از رفتن به کمیته مرکزی حزب خود خجالت زده می شوند و به پرستیژ شان بر می خورد! این حزبیت نیست و ماآنرا تقبیح می کنیم. می خواهم جهت دیگر را نیز خاطر نشان سازم. در اپرات کمیته مرکزی باید این موضوع را دقیقا وبطور روشن بدانند: وزیران ودیگر کارمندان رهبری دولت را حزب در مقامات شان تعیین وبیوروی سیاسی یادارالانشای کمیته مرکزی تصویب نموده است و بسیاری از آنان اعضای کمیته مرکزی حزب اند. آنان کار پر مسوولیت و دشوار را انجام میدهند. نباید به آنان به حیث زیر دست اپرات کمیته مرکزی نگریست. نباید به آنان فرمان داد و نباید شورای وزیران را تعویض و تبدیل کرد. کاملا لازم است که همه کارمندان اپرات کمیته مرکزی هنر و کلتور عالی بر خورد را از خود نشان دهند. ببینید حتی در صحبت تیلفونی برای روشن ساختن کدام قضیه، یاگرفتن اطلاع و یا ابراز کدام تقاضا میتوان به اشکال گوناگون بر خورد کرد. با لهجه خشك، عصبانی، غیر مطبوع و پر تکبر و یا رفیقانه، آرام، متواضع ودوستانه.

همه باید دیالکتیك این مناسبات متقابل را درك کنند و نباید از یکطرف یاطرف دیگر تحریف وکجروی صورت گیرد.

درك درست این مساله باید به همه کارمندان ارگانهای حزبی و دولتی تفهیم گردد تا ازیکطرف رهبری حزب تامین شود واز طرف دیگر مانع ابتکار وزارت، ریاست وادارات در رهبری ومدیریت همان رشته، موسسه، تصدی یافابریکه نگردد، این وظیفه ایست که اجرای موفقانه آن وابسته به آگاهی انقلابی ووجدان کارمندان رهبری حزب و دولت میباشد. ما تردید نداریم که این وظیفه را انجام خواهیم داد و به تامین کوردینیسیون و همکاری لازم، عمل مشترك و تفاهم و مناسبات متقابل رفیقانه، صمیمانه، ولی اصولی نایل خواهیم آمد.

بیوروی سیاسی و دارالانشا بنوبه خود سطح مطالبات ازشعبات کمیته مرکزی، از همه کارمندان اپرات آنرا ارتقا خواهد بخشید. در این جلسه مسوولین همه شعبات کمیته مرکزی و معاونان شان وجود دارند، آنان باید کار لازم را در شعبات خویش برای ارتقای سطح آمادگی و فعالیت مربیان وسایر کارمندان سازمان دهند. درسال جاری اپرات کمیته مرکزی از لحاظ تعداد کارمندان بحد قابل ملاحظه رشد یافت، اما هنوز نتیجه لازم احساس نمی گردد. باید پروبلم های که برای بررسی به جلسات بیوروی سیاسی و دارالانشا ارائه میگردد، عمیقتر مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد. طرح بسیاری از اسناد و مصوباتیکه شعبات کمیته مرکزی پیشنهاد می نمایند بحد کافی سنجیده شده و مستدل نمی باشد. بار ها دیده شده که باوزارت های ذیعلاقه بطور مقدماتی راجع به یك پیشنهاد مشوره و توافق صورت نمی گیرد. اعضای بیوروی سیاسی ودارالانشا میدانند که تعداد مسایلی که بررسی آن به تعویق می افتد کم نیست، زیرا شعبات موفق نمی شوند آنرا بموقع تهیه کنند. گرچه از پلان کار بیوروی سیاسی ودارالانشا قبلا آگاهی داشته می باشند. همه اینها نواقص جدی در کار مسوولین و اپرات کمیته مرکزی است.

ضروری است تاکار سازماندهی شعبات کمیته مرکزی در محلات و در ولایات تقویت یابد و به کمیته های حزبی ولایتی فعالتر کمك صورت گیرد، باید کار آموزشی با کارمندان حزبی محلی بیشتر گردد و به آنان یاد داده شود که عملا کار خویش را واجرای تصامیم کمیته مرکزی وکمیته های محلی را چگونه سازمان دهند. کارمندان اپرات، کمیته مرکزی، مانند سایر کارمندان حزبی نباید مانند مامورین اداری باشند که در عقب میزها نشسته اند. آنان باید سازماندهندگان مستقیم امور باشند.

رفقا!

امروز ما موضوعات و مطالبات اساسی و عام فاز نوین بهبود کار را به اطلاع شما کارمندان رهبری ارگانهای حزبی و دولتی، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن رسانیدیم. این مطالبات باید عمیقا از جانب همه رفقای ما درك، تفهیم و هضم گردد و با آن برخورد آگاهانه و جدی صورت گیرد. کار باید مطابق به دساتیر بیوروی سیاسی تجدید بنا یابد. مفهوم این مطالبات باید به همه ارگانهای تحت رهبری اعم ازسازمان های حزبی، دولتی، سازمان های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن رسانیده شود وابلاغ گردد. واز همین لحظه ما باید در روح خود یك انقلاب و تحول رابیاوریم. فضا و اتموسفیر جلسه امروزی باید به همه کمیته ها وسازمان های حزبی، به ارگان ها و ادارات دولتی، به همه سازمان های اجتماعی انتقال داده شود. همه باید بشکل رفیقانه بر اساس برخوردانقلابی، وطن پرستانه، بر اساس میتود و اسلوب فاز نوین، براساس برخورد جدید بغیر از طرز ونحوه ایکه تاکنون بوده است کار و مبارزه کنند و فعالیت خود را سازمان دهند.

رفقا!

ما کاملا و سخت اطمینان داریم که تحت رهبری حزب ما همه وظایف انقلاب ملی دموکراتیك، ضد فیودالی، ضد امپریالیستی در افغانستان موفقانه به سرانجام نهایی خواهد رسید.

ما همچنان اطمینان داریم که تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان تکامل بعدی انقلاب ثور تامین میگردد، رسیدن به هدف نهایی استراتیژیك یعنی ایجاد جامعه نوین فارغ از همه انواع و اشکال ستم و استثمار انسان از انسان تامین خواهد شد.

ما دشواری ها، پروبلم هاو مشکلات زیاد داریم، اما هراسی نداریم. ما با تامین ارتباط محکم با مردم، به کمك و پشتیبانی آن و به اشتراك فعال سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدر وطن میتوانیم که آرمان های انقلاب را تحقق بخشیم و اهداف حزب را عملی کنیم. ما از حزب، مردم، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدر وطن، نیرو های ملی دموکراتیك، مترقی ووطن پرست کشور دعوت می کنیم که با مساعی و کار دوستانه، مشترك و متحد، زندگی شگوفان و نوین را اعمار نمایند.

با اطمینان و عزم راسخ، بدون هراس و تردید، دست به دست هم، دوش بدوش به پیش بسوی پیروزی نهایی می رویم.

تشکر

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

جنایتی که امریکا از ۲۵ سال پیش آغاز کرده است

شستشوی مغزی اسیران سازمان «سیا»

تلویزیون کانادا پرده از جنایتی بر داشته است که طی آن امپریالیزم امریکا ۵۳ انسان را شستشوی مغزی داده است.

زنی با چشمهای خسته و موهای سفید بر پرده تلویزیون ظاهر شد. لبهایش می لرزید و با نفرت سخن میگفت: ((این ظالمانه، وحشتناک و غیر انسانی بود)).

میلیونها کانادایی که چشم هایشان بر تلویزیون خیره مانده بود، چشم ها و سخنان این زن را به خاطر سپردند. برنامه تلویزیونی ((آزمایش های سری)) نام داشت که جدیدا به مناسبت افشای جنایات سازمان ((سیا)) امریکا در کانادا به نمایش گذاشته شده است.

زنی که بر پرده تلویزیون زبان به افشاگری امپریالیزم گشوده بود ((والا ار لیکو)) نام دارد و وکیل پارلمان فدرال کانادا از حزب دموکرات جدید است. او یکی از قربانیان آزمایش جنایتکارانه اداره مخصوص امریکا ((سیا)) است که توسط داکتران روانی با استفاده از وسایل غیر مجاز طبی ((شتشوی مغزی)) شده است. او یکی از ۹ کانادایی است که تاکنون بر پرده تلویزیون کانادا و در برنامه ((آزمایشات سری)) ظاهر شده است. قربانیان آزمایشات سازمان ((سیا)) در کانادا در واقع ۵۳ نفرند که تعدادی از آنها مرده اند و برخی دیگر که هنوز زنده اند از ترس انتقام سازمان ((سیا)) جرأت نمی کنند در باره آنچه برسرشان آمده است سخن بگویند.

امپریالیزم امریکا تلاش زیاد کرده بود تا از جنایتی که کمتر از ۲۵ سال پیش در کانادا انجام داده است پرده برداشته نشود. اما اکنون دیگر این راز از پرده بیرون افتاده است و به همین دلیل تلویزیون کانادا در یک برنامه تلویزیونی گوشهٔ از این جنایت را فاش میکند.

سابقه و تاریخچه این جنایت این چنین است:

در آن زمان ((سیا)) تصمیم گرفت آزمایشی فیزیکی ـ روانی روی انسان انجام دهد. برای این منظور یکی از کلنیکهای طبی پوهنتون ((مک گیل)) را در مونرال انتخاب کرد و یکی از داکتران روانی برجسته امریکا را که در خدمت ((سیا)) بود به کانادا اعزام داشت. این داکتر به محض رسیدن به کانادا کار خود را شروع کرد و ظاهرا به طبابت پرداخت اما در واقع در پشت نقاب طبابت به یکی از بی رحمانه ترین وغیر انسانی ترین عملیات دست زد. او درست همان کاری را با بیمارانش انجام داد که اس‌اس های هیتلری انجام میدادند. یکی از قربانیان طبابت این داکتر امریکایی که در کلینیک پوهنتون بدام افتاده بود، اخیراً گفت:

((وقتی تصمیم گرفتم شفاخانه را ترک کنم مرا تهدید کردند که توسط پلیس دستگیر شده و به شفاخانه باز گردانده خواهم شد. آنزمان فهمیدم که در چه دامی گرفتار شده ام. در شفاخانه مرا همراه با تعدادی دیگر با انواع مواد کیمیاوی مسموم میکردند. روزانه ۲۰ تا ۳۰ تابلیت قوی مختلف به من میدادند که باید می خوردم و این جدا بود از شوکهای برقی که تحمل میکردم. من تنها نیستم. عده دیگری نیز همراه من بوده اند که سرنوشتی شبیه من دارند. درواقع من نیز مانند دیگران که در کلینیک پوهنتون ((مک گیل)) تحت آزمایش بودیم جزو معیوبین جامعه به حساب می آییم.))

تحقیقاتی که پس از افشای جنایات ((سیا)) در کانادا انجام شده، نشان میدهد که به محض فاش شدن آزمایشات روانی (شستشوی مغزی) در مونرال سازمان ((سیا)) تدابیری برای از بین بردن شواهد اتخاذ کرد. از بین بردن دوسیه بیمارانی که برای ((تداوی)) به کلینیک مورد بحث مراجعه کرده و به دام افتاده بودند از جملهٔ این تدابیر بود. اما درآین زمینه موفقیت کامل بدست نیامد و با تمام تلاش که ((سیا)) بکار برد مدارکی باقی ماند.

زنده ماندن برخی ازقربانیان این جنایت امریکایی از آن جمله مدارک است. مدارکی که میتوانند زبان بگشایند و بگویند امریکا برای تغییر تفکر و شخصیتشان چه بلایی برسر آنها آورده است.

(این جنایت در ابعاد گسترده تر و پیچیده تر اکنون ادامه ندارد ؟!)

از امواج رادیوها

بیدادگری مقامات قضایی ایران محکوم گردید

رادیو مسکو ۵ر۱۰ر۶۲

در فرانسه کنفدراسیون عمومی کار، بیدادگری مقامات قضایی ایران را که احکام سنگینی را در مورد رهبران حزب توده ایران صادر کرده اند محکوم نموده است.

منشی این سازمان گفت، اعضای حزب توده ایران فداکارانه در مبارزه علیه استبداد شاه شرکت کردند.

وی از زحمتکشان فرانسه دعوت کرد تا آنها برای لغو این احکام بر خاسته ودر راه آزادی اعضای حزب توده ایران بکوشند.

نظامیگران پاکستان بقای حکومت نظامی را در موجودیت افغان های فریب خورده می بینند

رادیو صدای آلمان ۵ر۱۱ر۶۲

ضیاء الحق حاکم نظامی پاکستان با گروه های مخالف حکومت مشکلاتی دارد.

گروه های مخالف در پاکستان از ضیاء الحق خواهان الغای حکومت نظامی برگزاری انتخابات آزاد و وعده های طرح شده و ثابت در آینده میباشند. اقبال حیدر رهبر حزب جبهه رهایی بخش ملی گفته است که حکومت نظامی ضیاء الحق حضور آواره گان افغان را برای جلب پشتیبانی های بین‌المللی برای خود قرار داده است.

به گفته اقبال حیدر ضیاء الحق با آواره گان افغان ازین لحاظ رفتار خوبی دارد که بقای حکومت خود را در حضور آواره گان افغان می نگرد. اقبال حیدر علاوه کرد که حکومت پاکستان بایست با آواره‌گان افغان‌همان رفتاری را بنماید که ایران مینماید. وی‌به اخراج سه هزار آواره افغان از ایران اشاره نمود که در همین تازگیها به پاکستان فرستاده شده اند.

تظاهرات ضد دولتی درلندن

رادیو بی.بی.سی ۴ر۱۱ر۶۲

هزاران تن از کارگران و کارمندان دولت از تمام بریتانیا در تظاهرات در مرکز لندن شرکت جستند. آنها علیه تصمیم دولت مبنی بر منحل کردن شورای شهر لندن و حومه وسه شورای محلی دیگر اعتراض داشتند. معلمین، کارمندان، کارگران وکارمندان موسسات دولتی در تظاهرات شرکت داشتند. این تظاهرات سبب بسته شدن تقریبا تمام مدارس لندن گردید.

اگر تسلیحات نمی بود:

۳۰ سال از موجودیت پیمان اتلانتیک شمالی سپری میگردد. در این مدت اعضای این پیمان تجاوزگر ((۲۶۲۵)) میلیارد دالر را در راه تسلیحات مصرف کرده اند. با این رقم میتوان:

ـ ۳۰ میلیارد تن نفت خرید

ـ این رقم ۶۰ مرتبه اضافه تر از عاید خالص ملی تمام کشور های امریکای لاتین و ۱۳ مرتبه بیشتر از عاید خالص ملی تمام کشور های افریقایی میباشد

اگر رقم مذکور بطور مساویانه بین تمام بیکاران کشور های بزرگ صنعتی جهان تقسیم گردد، بهرنفر بیکارسالانه ۱۵۰ هزاردالرمیرسد

بر اساس آمار رسمی برای رفع گرسنگی در جهان جمعاً ده میلیارد دالر ضرورت است.

خواب «شومی» که امریکا برای هند دیده

((تا به پایان سده روان دیگر آنجا کشور چندین نژادی وجود نخواهد داشت!

این کشور پر ملیتی، هندوستان است. در کدام مغز خامی این گونه اندیشه یاوه میتواند، پدید آید. جاسوسخانه ایالات متحده امریکا ((سی.آی.ای)) این ترازیدی اسفناک را برای کشور مستقل هندآرزو میبرد.

در جلسه های مخفیانه لانگلی (مقر سازمان سیا) این آماجها نشانه گرفته شده بود: سلب حاکمیت هند بر زمین های کرانه غربی دریای برهماپوترا و نصب دولت دست نشانده در آنجا و تاسیس ((دولت مستقل سیکهای خالستان)) در اراضی پنجاب هند.

طرح ریزی این دسیسه وحشتناک برای زمان‌زیاد روی تخته نقشه کشی نپایید. سفارت امریکا برای این مقصد در دهلی نو به زودی کمپیوتر دارای ظرفیت‌ذخیره یک میلیون آگاهی و اطلاع را به کار بست. دیری نگذشت که به قفسه حافظهٔ این کمپیوتر ده ها هزار کلمه آگاهی، دوسیه و آیین نامه جاسوسی و عملیات تخریبی در خالستان و براهماپوترا سپرده شد.

و در فرجام دکمه های الکتر یکی کمپیوتر نه تنها با نامهای امریکایی وهندی آشنایی یافتند، بل نامهای پاکستانی نیز در پهلوی آنها افزون شد.

نیوز ویک مجله امریکایی پیرامون این مساله نوشت: ((جمع انبوهی از جواسیس ((سیا)) به پاکستان صادر شدند، و یک مکتب آموزش جاسوسی در چکلیه پاکستان تاسیس یافت)). دست‌آموزان و جواسیس این معبد شیطان برای ترور، آفریدن دودو آتش وسبوتاژ بجاهای مختلفی فرستاده شدند. به اساس گزارش روزنامه پاتریکا، نقشه های سازمان ((سیا)) هندوستان را در تجزیه و چند دسته گی نشان میدهد، و در زمین های مرزی آن کشور لانه های فعالیت جاسوسی ((سیا)) و دولت پاکستان با خط درشت علامه گذاری شده است.



روزنامه های ((خالستان تایمز)) و ((کوماندو های جمهوریت خالستان)) زیر سازماندهی ((سیا)) و پنتاگون در انگلستان و امریکا برای بخش تولید تجزیه‌طلبان هند به نشر میرسد.

ترجمه از ((بهزاد))

پیام تبریکیه

کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی پیام تبریکیه را به دوازدهمین کنگره حزب کمونست سریلانکا ارسال داشته است.

در پیام گفته شده کنگرهٔ حزب شما در شرایطی دایر میشود که محافل امپریالیستی در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا و هژمونیزم چین جنگ را بر ضد کمونیزم و علیه نیرو های صلح و دموکراسی اعلام کرده است.

آنها مسابقهٔ تسلیحاتی بی سابقهٔ را براه انداخته اندو تمرکز راکت های هسته یی امریکایی را دراروپای غربی بر خلاف اراده ملیونها انسان آغاز کردند.

درپیام آمده است که ایالات متحده امریکا و متحدان ناتوی آن جهان را به فاجعه هسته یی میکشانند. ایالات متحده امریکا پایگاه های نظامی را همچنان در حوزهٔ بحرهند ایجاد میکند و به‌اعمال فشار بر کشور های منطقه متوسل میگردد.

در پیام ضمن قدردانی از مبارزهٔ کمونستهای سریلانکا گفته شده که کمونستهای اتحاد شوروی مبارزه پیگیر حزب کمونست‌سریلانکا را بر ضد سیاست‌تجاوزگرانهٔ امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا و بخاطر تامین صلح و امنیت مردمان عالی ارزیابی مینمایند. (ب)

نتایج اجراآت پلان یکساله اتحاد شوروی ارزیابی گردید

شورای وزیران اتحاد شوروی نتایج اجراآت پلان دولتی انکشاف اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی و بودجه دولتی آنکشور را در سال ۱۹۸۳ مورد مطالعه قرار داد.

در جلسه خاطر نشان شد که شاخص های رشداقتصادی در جریان سال گذشته افزایش یافته و تحولات مثبتی در اقتصاد ملی‌رو نما گردیده است.

عاید ملی نظر به سال ۱۹۸۲ (۳ر۳)فیصد رشدیافته و بازدهی کار در صنایع ۳ر۵ فیصد و در زراعت ۶ فیصد ارتقا یافته است و محصولات ناخالص زراعتی ۵ فیصد افزایش یافته است.

در جلسه همچنان خاطر نشان شد که تطبیق تدابیر در جهت ارتقای بیشتر سطح زندگی مردم ادامه‌دارد. دستمزدها و معاشات ۲ر۴ فیصد بلند رفته درعین زمان پاداش کارزارعان کولکتیف ۷ فیصد ارتقاء یافته و عاید حقیقی مردم دو فیصد افزایش یافته است.

گزارش می افزایددراجلاس شورای وزیران خاطر نشان شد که کسراتی هنوز هم در بسیاری از بخشهای اقتصاد ملی وجود دارد.

شورای وزیران اتحاد شوروی دستور داده است تا تدابیری را بغرض معرفی نظم نمونه یی در تولید ودر تطبیق نمایند. (ب)

امریکا در تدارک جنگ میکروبی



طاعون، وبا، تب، اسهال، تیفوس، آبله.... سلاحهای جدیدامریکا برای سرکوب خلقهاست.

جنگ بی جبهه

ششصد سال پیش در اروپا «طاعون» یک چهارم ساکنین این قاره را از بین برد. این حادثه بعد ها به مرگ «سیاه» شهرت یافت. آبله در اواسط قرن نزدهم میلیون هندی را کشت.

درسال ۱۹۱۸ اپیدمی جهانی گریپ حیات بیست میلیون انسان را به تباهی‌کشاندند ودرسال ۱۹۴۷ شیوع وبا در مصر بیست هزار قربانی گرفت.

در تمام جهان دکتوران و انجمن های بشر دوست سعی میکنند تا انسان را از گزند اینگونه بیماری هابرهانند وپیوسته مطالعاتی در این زمینه میکنند، اما سوداگران مرگ و تباهی در امریکا شبانه روز در تلاشند تا با تولید انواع سلاح های میکروبی فجایعی از آنگونه راکه آمارش در بالا آمد به انسان تحمیل کنند. زرادخانه های امپریالیزم امریکا بی‌وقفه از سلاح های‌میکروبی انباشته میشود و در نقاط مختلف جهان از این زرادخانه برای سرکوب نهضت های رهایی بخش استفاده میشود. امریکا در تدارک گسترش کاربرد این سلاح مرگ آفرین است. این تلاش بعداز پایان جنگ دوم جهانی در امریکا آغاز شد و انبار های اسلحهٔ میکروبی بطور مداوم ازسلاح های کیمیاوی و میکروبی که تولید آبله تب ولرز، تیفوس و وبا اسهال میکند پر میشود.

امپریالیزم امریکا در این تصور است که استفاده از سلاح های شیمیایی‌ومیکروبی میتواند بزرگترین ضربه را به دشمن بزنند و دشمن کسی است که نخواهد غارت شود ومشت خودرا به علامت‌اعتراض به امپریالیزم بلند کند. خنده دار و در عین حال هشدار دهنده است که در این روزها نظامیان امریکا حتی در سخنرانی های رسمی خود اسلحه میکروبی و کیمیاوی را نوع وسیلهٔ تعرضی می دانند. معاون وزارت جنگ امریکا در اوریل ۱۹۸۲ در پوهنتون «جورج تون» صریحا گفت:

«امریکا همیشه بایدشوروی را تهدید به استفاده ازسلاح شیمیایی و میکروبی کند.»

امپریالیزم امریکا تاکنون از سلاح میکروبی وشیمیایی علیه کوبا و جمهوری دموکراتیک‌کوریا رسما استفاده کرده است و تمام مقدمات را فراهم ساخته بود که در ویتنام نیز از این سلاح استفاده کند. اما موفق‌نشد.

اولین آماج های این‌سلاح (میکروبی) بشر است. در واقع زمانی که این سلاح بکار میرود خطر آن حتی بیشتر از ماشین نظامی یک اردو است، خصوصا برای کشور های جهان سوم که امکانات طبی در آن بسیار اندک است. سلاح میکروبی‌که شیوع انواع بیماری هارا به همراه می آورد نه تنها به نسل کنونی بشر ضربه میزند بلکه عوارض آن‌دامنگیر نسل های آینده نیز میشود. به همین دلیل‌است که باید گفت امریکا حتی به جنگ اعلام نشده علیه اطفالی‌میرود که هنوز متولد نشده اند. تغییر ژنهای موجودات‌زنده وحتی گیاهان از اثرات سلاح میکروبی است.

در حال حاضر امریکا نه تنها از سلاح های میکروبی در نواحی مختلف وپر جمعیت بلکه در صحراها نیز استفاده میکندو اثرات آنرا روی چهار پایان نیز به آزمایش میگذارد. انتقال میکروب ناشر از کاربرد سلاح میکروبی توسط مگس وپشه نیز از جمله آزمایشات ضد انسانی امریکا ست.

اکنون این نکته به‌بسیاری آشکار است که از طریق مراکز تحقیقاتی سلاح های میکروبی نیز انواع بیماری ها شیوع می یابد. بی‌مبالاتی پرسونل و نبودن سیستم دقیق کنترول نیز از جمله راه های انتقال میکروبهاست. فقط طی دوسال‌گذشته بیش از نه صد مورد که منجر به انتقال میکروبها به محیط زیست شده،در مراکز نظامی امریکا به ثبت رسیده است.

یکی از موارد جنجال بر انگیز این انتقال میکروب‌ها از مراکز تحقیقاتی سلاح های میکروبی به محیط زیست مربوط است به سال ۱۹۷۶ و گردهم آیی سربازان داوطلب امریکایی. در این ماجرا حدود دو صد نفربه بیماری حاد ریوی مبتلا شدند که سی‌وچهار نفر آنها مردند. بعد ها این حادثه به بیماری لژیون شهرت‌یافت.

سازمان صحی ایالت «پنسلوانیا» در سپتامبر ۱۹۷۶ اعلام داشت که شیوع بیماری لژیونی میتواند ناشی از آزمایشات پنتاگون‌روی سلاح های میکروبی‌باشد.

بعد ها طی سال های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ مراکز طبی امریکا به ثبت آلودگی ادامه دادند و نمایش این آلودگی ها به هزار مورد رسید که‌این خود نشان میدهد امریکا بی وقفه به آزمایش سلاح های میکروبی ادامه میدهد و از آنجا که میکروب مرز نمی شناسد و بیماری های‌مسری به سادگی حتی از امریکا به دیگر کشور هاراه می یابند باید گفت که امریکا در کنار دیگر توطئه های سیاسی و نظامی اش به جنگ بدون جبهه علیه بشریت‌برخاسته است.

اطلاعات بدست آمده نشان میدهد که امریکا اکنون در جستجوی مناطقی در شرق میانه وافریقاست تا سلاح های میکروبی خودرا در آنها به آزمایش بگذارد.

هدف اصلی به اصطلاح دانشمندان مراکز تحقیقاتی سلاح های کیمیاوی‌ومیکروبی امریکا آنست که در مناطق مختلف جهان واز جمله شرق میانهٔ وافریقا میکروب های مناسب رابرای شیوع انواع بیماری های ناشی‌از کاربرد سلاح کیمیاوی و میکروبی پیدا کنند. این تحقیقات زیر پوشش های گوناگون صورت میگیرد. بعنوان نمونه درسال ۱۹۶۲ در لاهور پاکستان موسسه‌ای باهدف به اصطلاح مبارزه‌با «ملاریا» تاسیس شد، اما کارکنان این موسسه به با نظارت مستقیم امریکا ملاریا را تکثیر می کردند و راه های استفاده‌از آنرامورد بررسی‌قرارمیدادند. وقتی هدف واقعی این‌موسسه که زیر نظر امریکایی هااداره میشد افشا شد رئیس آنرااز پاکستان اخراج کردند. این موسسه اهداف خودرا ازکارکنان ساده اش پنهان میکرد وتعداد زیادی بیمار روانی را طی مدتی که مشغول کاربود مورد آزمایش میکروبی قرار داد. این بیماران اکنون در شفاخانه ها بستری هستند.

بی تردید موسسات‌مشابه در کشور های‌زیر سلطه‌امریکا اکنون نیز به آزمایشات ضد بشری‌خود نظیر آنچه در پاکستان افشا شد ادامه میدهند.

نظامیان امریکایی‌پیوسته برای استفاده از سلاح های میکروبی وکیمیاوی دور رامی بینند و تجربه های امریکادر تمام جهان روی سلاح میکروبی پیوسته تبدیل به انواع سلاح میکروبی می شود و به زرادخانه های امپریالیزم امریکا راه می‌یابد.

معرفی کتاب

تاریخ عصر جدید

تالیف مورخین شوروی
ترجمهٔ فریدون شایان و محمد تقی فرامرزی

تاریخ عصر جدید که وقایع و جریانات تاریخی عصر انقلاب بورژوازی قرن ۱۷ در انگلستان را تا زمان انقلاب کبیر اکتوبر دربر دارد اخیرا دردو جلد با تیراژ پنجهزار جلد ازطرف ریاست نشرات کمیتهٔ دولتی طبع و نشر تکثیر گردیده است.

ریالیزم و ضد ریالیزم در ادبیات

ازدکتر میترا

ریالیزم و ضد ریالیزم در ادبیات اززمرهٔ کتابهای خوب نقد ادبی و تاریخ ادبیات بشمار می آید. دراین کتاب مقاله هایی پیرامون ریالیزم، توابع ریالیزم در قرن ۱۹، رمانتیزم، سمبولیزم، سوریالیزم واگزیستانسیالیزم با روش تحلیلی نوشته ونشر شده است.

این کتاب از طرف ریاست انتشارات بیهقی در سه هزار جلد تکثیر گردیده که قیمت هرفی جلد یکصدافغانی است.

لحظات هفده گانه بهاران

نوشتهٔ یولیان سیمینوف
ترجمهٔ رصدی

ی. سیمینوف از نویسندگان خوب شوروی است که رومانهای زیادی نوشته است. این رومان از شهکارهای اوبشمار می آید که بر اساس آن سریال تلویزیونی نیز تهیه گردیده است.

رومان لحظات هفده گانه بهاران به چندین زبان ترجمه شده و در ۱۹۷۹ از طرف نشرات پروگرس کار ترجمه آن به زبان دری نیز صورت گرفت. نسخه های دری این کتاب با قیمت هر فی جلد (۲۰) افغانی آمادهٔ فروش است کتاب های مذکور در غرفه های فروش کتاب بیهقی آماده فروش است.

بی تفاوت نباشید

پروگرام حرکت بسها را باید دقیق و منظم ساخت

● ساعت ۳۵ر۵ عصر ۷ دلو در بس نمبر ۱۹۱ مربوط ملی بس لین خیر خانه مینه به طرف شهر می آمدم. در ایستگاه ده کیپك تعداد زیادی ازهمشهریان ما منتظر آمدن بس بودند ولی بس ازمقابل ایستگاه گذشت و توقف نکرد. دریور فقط یك خندهٔ تمسخر آمیزی نمود و ازکنار منتظرین ردشد. در حالیکه نیمی از چوکی های آن خالی بود!

● ساعت ۵:٤٥ عصرچهارشنبه ۵دلو در ایستگاه شفاخانه علی آباد تعداد زیادی از اطفال، زنان وسایر همشهریان ما که اکثر شان به عیادت مریضان آمده بودند در ایستگاه منتظر بودندتا بس شهری آنانرا به شهر بیاورد ولی بس نمبر ۲۲۱ توقف نکرد و به سرعت از ایستگاه گذشت.

استدلال دریوران در ینگونه موارد چه چیزی است همه یك حرف را میگویند: «از پروگرام عقب مانده ام». معلوم نیست چرا از پروگرام حرکت عقب مانده اند و اگر احیاناً چنین چیزی هم باشد آیا تنظیم پروگرام حرکت برای حل مشکلات همشهریان است یا همشهریان باید مشکلات بیشتر را متقبل شوند تا پروگرام حرکت ملی بس منظم باشد.

● ساعت ۱۲:٤٥ روز جمعه ۷دلو است. شش عراده بس در ایستگاه کلوله پشته به دنبال هم می آیند و توقف می کنند در همین لحظه سه عراده بس در ایستگاه مطبعه و مکروریان به دنبال هم می آیند و توقف می کنند ولی صرف یك بس از سواری پر میشود و چنین وضع دراکثر ایستگاه ها تکرار میشود.

نتیجه اینکه هم به مقدار کافی بس وجود دارد و هم دریور و نگران. تنها آنچه که وجود ندارد و سبب خلق مشکلات و ازدیاد ازدحام در ایستگاه ها میشود نبودن پروگرام منظم حرکت بسها در مواقع لازم است و عدم تطبیق پروگرام فعلی عیار شده در زمان مشخص آن درین زمینه باید با استفاده ازتجارب مامورین تنظیم پروگرام «ایستگاه ها. حرکت بسها را طوری عیار نمود که در مواقع لازم هنگامیکه ازدحام زیاد است تعداد زیاد بسها را به کار انداخت، و امکان دارد در عین زمان در یکی از ایستگاه های دیگر چنین ضرورتی نباشد بناء بس یك لین در لین دیگر توظیف شود.

● سه شنبه ۲۷ جدی ساعت ۳۰ر۶ شام از ایستگاه فروشگاه بزرگ افغان در یکی ازبس های «تاتا» طرف مطبعه میرفتم ولی متوجه شدم که بس نگران ندارد و کسی تکت توزیع نمیکند. برای همه راکبین بس تعجب آور است دریور در برابر پرسش میگوید:

تکت نداریم تکت ما خلاص شدونگران از ایستگاه فروشگاه به خانه رفت. از ینگونه حادثه ها هر روز در هر ایستگاهی تکرار میشود!

کارگران فابریکه پشمینه بافی پلچرخی، باکار خستگی ناپذیر خود و احساس مسوولیتی که نسبت به جبهه تولید دارند، توانسته اند بیشتر از پلان کار و تولید نمایند. ((عکاسی ح.ا.ث))

در جبهه کار

پیشرفت ها، نارسائی ها

کار بیشتر از پلان مرتبه

چهار موسسه تولیدی واقع در ساحه ناحیه یازدهم حزبی که شامل مسابقات کار اند طی مدت ربع اول و دوم سالجاری بیش از پلان مرتبه تولید نموده اند.

مسئوول شعبه اقتصادناحیه یازدهم حزبی به خبر نگار حقیقت انقلاب ثور گفت:

ریاست خدمات انجنیری صحی وزارت صحت عامه، دستگاه ساختمانی سپین غر، ریاست ماشینری و خدمات تخنیکی وزارت معادن و صنایع با ۱۳۳۰ نفر کارگر موجود که ٦۹۰ تن آنان شامل مسابقات کار بوده اند، بالترتیب ۱۰۵-۱۰٤-۱۱۵ و ۱۳۱فیصد طی شش ماه اول سال پلان مرتبه را تطبیق نموده اند.

اما آنچه که تطبیق نگردیده سیستم اکورد و دفاع خودی است. و نیز کمك عملی به مکاتب ضعیف بوده است.

(پژوهش)

در ریاست موادنفتی وشکر کار ترمیم موتر ها ومشکلات تخنیکی دیگر بوسیله کارگران این موسسه حل میگردد.

کارگران خدمات تخنیکی وزارت معادن و صنایع معمولا سهم بزرگی در جبهه تولید بجای گذارده اند

کار سخنگو شانه کارگران جنگلك، همیشه این فابریکه را در سطح عالی کار قرار داده است.

در مطبعه تحصیلات عالی

کارگران و کارمندان مطبعه ریاست نشرات وزارت تحصیلات عالی و مسلکی طی نه ماه سالجاری پلان تولیدی خویشرا ۹۹ر۱۲۱ فیصد تطبیق نموده اند.

یك منبع مسوول این موسسه در مورد به خبر نگار ح.ا.ث گفت: بر اساس پلان دادهشده طی نه ماه سال، موسسه ما باید شش میلیون و پنجصد و هفت هزار داپ تولید مینمود که در اثر مساعی کارگران و کارمندان نه میلیون وشش صدو سیزده هزار و شش داپ تولید نموده که ۹۹ر۲۱ فیصد تولید اضافه از پلان رانشان میدهد.

طی نه ماه سال، کارگران این موسسه در این موارد صرفه جویی نموده اند: ماسك و موتتاژ مبلغ ۸۵۰۰- افغانی، روغنیات ۳٦۰۰۰- افغانی، کاغذ تریشه مبلغ ٤۵۰۰۰- افغانی و رابربلندکیت های مستعمل ۲٤۰۰۰- افغانی. (ح.ا.ث)

خشم مردم در چهرهٔ پوستر ها

هفته پیش در هر درودیوار خشم مردم علیه سیاست ماجرا جویانه و جنگ افروزانه امپریالیزم امریکا نقش بود.

این خشم مردم در چهره پوستر ها فریاد شده بود و مردم به پوستر ها میدیدند همه با یك صدا: مرگ بر امپریالیزم امریکا!

مرگ بر سیاست نظامیگرانه و ضد انسانی ریگن!

این پوستر ها تصویر واقعی امپریالیزم امریکاست ونمودی از تلاشهای اداره ریگن در گرینادا، نیکاراگوا، لبنان، وافغانستان.

در همه جا تحفه امپریالیزم یك چیز است: خون و آتش. در همه جا ارمغان امپریالیزم بمردم بیگناه گلوله های ماشیندار، هاوان، مین ها و بمهای کشنده است.

زیر نظر هیأت تحریر
مدیر مسوول: صدیق کاوون

تیلفونها ← سوچبورد: ۲٤۷۱۵ ۲٤۳۵۵ اطلاعات: ۲۲۲۵۹ اداری: ۲٤۵۷۵ صندوق پستی: ۷۸۰ شکایات توزیع: ۲۲۸۵۹ حساب بانکی: ۱۰۱۸ر۹ قیمت یکشماره ۲ افغانی چاپ دیپ آفست مطبعه دولتی